

وارلیق

آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگي نشریه
مجله ماهانه فرهنگي فارسي و ترکی آذری

۹- اینجی صایی-دی ۱۳۵۸ - شماره ۹

VARLIQ

Monthly
PERSIAN AND TURKISH JOURNAL
No. 9
1980

Address: Mossadegh Ave. Bidi Str. No. 17
Tehran, Iran

قیمت ۷۰ ریال

ایچینده کیلر (فهرست)

صفحه

- ۱- فرمان امام برای عوادآموزی ۳
۲- سرمقاله ۴
۳- هندوشاه نخجوانین تحفة العشاق یا صحاح العجم لغتی حقیقنده: دکتر غلامحسین بیگدلی ۸
۴- آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش (۷): دکتر جواد هیئت ۱۹
۵- آذربایجان شاعر لریندن اینجه جناسلار: یحیی شیدا - تبریز ۴۷
۶- باغچه بان شاعر: ت. پیرهاشمی ۵۲
۷- آتالار سؤزی: عبدالکریم منظوری خانه‌ای ۵۷
۸- استاد شهریار دان بیر غزل: نازائیله می‌سن ۵۹
۹- دکتر مهدی مجتهدی (عاکف) دن سهنده بیر مرثیه ۶۰
۱۰- گلن مکتوبلار:
۱- ای مردان تاریخ: حاجی رجائی ؎ اسکو ۶۲
۲- آقای یحیی شیدانین مکتوبونا جواب. ت. پیرهاشمی ۶۴
۱۱- قالار رودگی ده آذربایجان کنسرتی - حسن مجیدزاده ۶۵
۱۲- اخبار

توجه

بعلت نبودن کاغذ سفید پارس در بازار مجله وارلیق با کاغذ روزنامه چاپ شد .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ن وَالْقَلَمِ و مَیْسُطَرُونَ (قرآن کریم)

ملت شریف ایران شما میدانید که در رژیم گذشته آنچه بر ملت مبارز ایران سایه افکنده بود علاوه بر دیکتاتوری و ظلم تبلیغات بی‌محتوی هیچ را. همه چیز جلوه دادن بود ملتی که در همه ابعاد از حوائج اولیه محروم بود و انمود میشد که در اوج ترقی است. از جمله حوائج اولیه برای هر ملتی که در ردیف بهداشت و مسکن، بلکه مهمتر از آنها آموزش برای همگان است مع الاسف کشور ما وارث ملتی است که از این نعمت بزرگ در رژیم سابق محروم و اکثر افراد کشور ما از نوشتن و خواندن برخوردار نیستند چه رسد به آموزش عالی مایه بسی خجلت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی میکنند که طلب علم را فریضه دانسته است از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید در برنامۀ درازمدت فرهنگ و ابستۀ کشورمان رایه فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم و اکنون بدون ازدست دادن وقت و بدون تشریفات خسته‌کننده برای مبارزه با بیسوادی، بطور ضربتی و بسیج عمومی قیام کنید تا انشاء الله در آینده‌ای نزدیک هر کس نوشتن و خواندن ابتدائی را آموخته باشد. برای این امر لازم است تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران باسواد برای یاد دادن بپاخیزند و وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات بپاخیزد و از قراطس بازی و تشریفات اداری بپرهیزد. برادران و خواهران ایمانی برای رفع این نقیصه دردآور بسیج شوید و ریشه این نقص را از بین ببر کنید و تعلم عبارتی است که خداوند تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است. ائمه جماعات شهرستانها و روستاها مردم را دعوت نمایند و در مساجد و تکایا باسوادان نوشتن و خواندن را به خواهران و برادران خود یاد دهند و منتظر اقدامات دولت نباشند و در منازل شخصی اعضای باسواد خانواده اعضای بی‌سواد را تعلیم دهند و بی‌سوادان از این امر سرپیچی نکنند.

من از ملت عزیز امید دارم که باهمت و ولای خود بدون فوت وقت ایران را بصورت مدرسه‌ای درآورند و در شب و روز در اوقات بیکاری یکی دو ساعت را صرف این عمل شریف نمایند. بپاخیزید که خداوند متعال با شماست از خداوند تعالی سعادت و سلامت و رفاه ملت شریف را خواستارم.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ الرَّحْمَةُ اللّٰهُ وَ بَرَکَاتِهِ

روح الله الموسوی الخمينی

۵۸۱۰۷

فرمان امام

«بن والقلم وما یسطرون(۱)». فرمان بسیج سوادآموزی بدینگونه آغاز می‌شود و مؤذنه پایار شب تاریک نادانی و بی‌خبری رادرگوش رغبت ملیونها مردم کشور (که بنام «پیکار بابیسواد») نفرت انگیزترین فریبکاریمهارا شاهد بودند) فرو می‌خواند.

دروصفر فرمان اشاره به تبلیغات بی‌محتوای دوران ظلم و استعمارزدگی می‌رود، دورانی که ارقام و آمار ساختگی جای واقعیت‌های ملموس رامی‌گرفت تااز سوئی باپردۀ دروغ زشتیها پوشیده گردد و ازسوی دیگر خاطر مبارک! فی‌الجمله آسوده شده. این بساط رنگ و شعبده چنان گسترده بودکه هیچ وسیله ارتباط جمعی، هیچ مجلس، هیچ فرصت ازشائبه لوث‌آن بدور نمی‌ماند، سمپوزیومها، سمینارهارا دنبال می‌کرد، جارچی‌ها ومداحان به‌هرسوی جهان سفر می‌کردند وحتی جرات و گستاخی درمکر و فریب رایه جایی رسانده بودندکه می‌خواستند به دیگر کشورهاهم سرمشق باشند. هرروز دربینوله‌های دستگاه دروغ‌پراکنی صداوسیما آریامهری القاب تازه‌ای‌چون قارچهای سمی می‌روئید و به‌عنوان مبتکرروشهای نوین سوادآموزی دغلكاران همدیگررا تبریک می‌گفتند. حاصل بقول امام «هیچ راهم‌چیز جلوه دادن بود». زیرانیت شیطانی، حسابهای ساختگی، جزبه هدردادن وقت و نیرو و پول خلق‌الله نمی‌انجامد. برنامه اهریمنی دستگاه فاسد و ظالم و کارگردانان پشت پرده آن اجرای دستور استعمار بود و بالتلیجه تحمیل ستم مضاعف به ماو دیگر قومهای برومند ایران.

متخصصینی‌که درمضار آموزش زبانی جززبان مادری (مثلا انگلیسی) به فرزندان خود دردوران دبستان (آن‌هم به‌صورت بسیار دقیق) بادلسوزی بحشایرپا می‌کردند، درمورد کودکان آذربایجانی و کرد و ترکمن معیاری دیگر داشتند و با آفریدن محیط هراس، اجازه صحبت به زبان مادری رابه‌آنها نمیدادند.

آبنها بخوبی میدانستندکه ازنظر علوم تربیتی وروانشناسی چنین ظلم و اجباری چه اثرناروا و زیانباری دراطفال دارد. لکن برای این اولیای شیطان و دژخیمان فرهنگی این مسئله اهمیتی نداشت.

شوونیسم جز خودرا نمی‌بیند و هرکس و هرچه راکه درمعیارهای وی نگنجد

(۱) سوگند بقلم و تپه آنچه که می‌نویسد.

ویافتاوتبائی با آنچه که او بد آنها خو گرفته داشته باشد مردود و غیر قابل قبول می‌شمارد. مفر تاریک این دیوان کوردل کجا و اندیشه بزرگ قبول تنوع که در مدلول آیت معجز نمون «یا ایها الناس انا خلقنکم من ذکر و انثی و جعلنکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم، ان الله علیم خبیر» مندرج است کجا؟

آنها میدانستند که میلیونها مرد مسلمان این کشور از قرنهای بدینسوی به زبان ترکی حرف می‌زنند و اکثراً جزآن به هیچ زبان دیگری آشنائی ندارند، با آن شعر می‌گویند، نغمه می‌سرایند، حرف می‌زنند دعا و نفرین می‌کنند، نوحه و تعزیه می‌خوانند، داستان می‌سرایند، و کوتاه سخن در قالب کلمات و جملات آن زبان فکر می‌کنند. آنها بداندیشانه بدین همه خط بطلان کشیدند و با تبلیغ و شست و شوی مغزی مداوم چنان محیطی بوجود آوردند که حتی برخی زعمای قوم هم دانسته یا نادانسته بر این جنایت امضا نهادند.

اینساکه در خودپرستی غرقه‌اند و همه عمر خصوصیات خود را به دیگران تحمیل کرده‌اند کجا یارای درک عظمت نکاتی که در این آیه شریفه دل‌های آگاه را مورد خطاب قرار داده است دارند؟ «و لوجعلنہ قرآناً اعجبیا لقالوا لولا فصلت آیتہ اعجمی و عربی. قل هوللذین امنواهدی و شفاء و اللذین لایؤمنون فی آذانهم و قروہو علیہم عمی. اولئک ینادون من مکان بعید (۱)». (سوره ۴۱ آیه ۴۲)

چیزی ساده‌تر از درک این نکته نیست که یاد گرفتن به زبان مادری آسانتر از یاد گرفتن زبانی تازه است. آنها از این نکته غافل ماندند، کمر به قتل زبان و فرهنگ و هویت ما بستند.

همه نیروهای خود را در این راه بسیج کردند. از وسایل تبلیغ و انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی، تا اطلاق تمشیت سازمان امنیت و سانسور همه و همه را در نبرد با هستی مایه کار گرفته و در پایان کار نیز در کشتن چراغی که ایزد بر افروخته است توفیق نیافتند. جز مشتی معلوم الحال به خط آنها کردن نهاد و جز گروهی به حیل

۱- و اگر قرار میدادیم قرآن را بغیر لغت (زبان) عرب البته می‌گفتند چرا واضح نشد بزبان عربی تا ماکه عرب هستیم درک کنیم آیا شایسته است که کلام عجمی باشد و مخاطب ب‌عربی. یگو قرآن برای کسانی که ایمان آوردند راهنما و شفابخش است و آنانکه ایمان نیاوردند در گوشه‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان کوری است یعنی چشم دیدن قرآن را ندارند آن گروه ندا داده میشوند از جای دور یعنی نمیتوانند آهنگ قرآن را درک کنند و بشنوند

(ترجمه و تفسیر قرآن الکریم صادق نوپری جلد سوم صفحه ۲۱۳)

ودستان آنان افسون نگشت. همین‌ها که سرحلقه جلادان و ننگ انسانیت را آریامهر لقب دادند پایه فراموشی سپردن قوم و خلق خویش، به سرکردگی نیروی سرکوب شاه، سناتوروی و قره‌نوگری وی «مقاماتی» از این دست و درخور «خدمات» خود نایل آمدند.

عده‌ای دیگر بی‌خبرانه به‌ساز دولتیان طاغوت رقصیدند، و برخی نیز فریب خوردند و با آنان هم‌آهنگ گشتند، در این راه قلم زدند، و آب به آسیاب استعمار رساندند. در این زمینه هرکس نغمه‌ای ساز کرد، یکی دست به جعل تاریخ زد و دیگری درپهنه آذربایجان به جستجو پرداخت و ازمرده ریک کهن (که درجای خود بسیار گرمی است) برای استفادهٔ تئوریسینهای آنچنانی جای پائی ساخت که بحث دربارهٔ آن به‌گفتاری دیگر نیازمند است. کم‌مایهٔ فرضت طلبی دیگر دربحث واژه‌ها دست به‌جمل ریشه‌شناسی جالبی زد که درنتیجه همهٔ واژه‌های ترکی را تحریفی ازکلمات فارسی دانست!

درکنار این همه‌ها و آشوب میلیون‌ها مردم فارغ ازقیل‌و‌قال تئوریسینها محروم از نعمت سواد و بدون توانائی به نوشتن و خواندن زندگی می‌گذرانید. بودجه‌ها بیاد داده میشد. هرچه بود قرطاس بازی و تشریفات توخالی بود، نمایش بود و بانگ تهی!

دولت زبان خود را داشت و مردم مانیز زبان خود را. لکن منع نوشتن و چاپ و تدریس و تحصیل زبان مادری برپیکر قوم ما (و درنتیجه درمجموع به مردم ایران)، ضربات شدیدی وارد می‌آورد. زیرا درجائی که زبان قابل فهمی برای مجموع جامعه‌ای پذیرفته نشود چگونه می‌توان آن جامعه را به پیش راند؟ چگونه می‌توان با آن مردم ارتباط برقرار کرد؟ زبان یک جامعه زبان مادری افراد آن است، نه زبانی که عده‌ای آنرا آموخته و به سوغات آورده‌اند. شما با به‌کار نگرفتن زبان یک جامعه ازسویی عملاً رابطه‌تان را با آن جامعه قطع می‌کنید، و ازسوی دیگر آن جامعه را از پیشرفت باز می‌دارید، بیگانگی بوجود می‌آورد. سوادآموزی به‌جای فراگرفتن چندحرف الفبا تبدیل میشود به فراینده معضل یادگیری زبانی تازه. آموختن زبان تازه برای بچه‌ای که زبان خود را نمی‌تواند بنویسد و بخواند به‌کوری استعداد اکتیریت نوآموزان می‌انجامد. از رشد طبیعی استعداد ارتباطی بچه جلوگیری می‌کند. در چنین شرایطی استعدادها هدر می‌رود، و این اسراف و وحشت‌بار در نیروی انسانی اصولاً نابخردانه است. بچه یا بزرگسال فارسی زبان که با فراگیری چند حرف و چند قاعده خود دنبال آموزش رامی‌گیرد و با سواد می‌شود، در مورد ما چنین نیست، نوآموز باید هر کلمه را یاد بگیرد، هیچ کلمه‌ای در کتاب یادآور خاطرات و نیازهای ارتباطی روزانه او نیست.

بزرگسالانِ ماحتی بعد از پایان کتابهای اکابر، چون ذخیره کافی از لغات را ندارند (زیرا به زبان دیگری، جز زبان کتابشان حرف می‌زنند)، به‌مرور، آن کلمات را نیز از یاد خواهند برد و عمری را بیهوده تلف خواهند کرد.

سلسله پهلوی باقوم ماخصومتی دیرینه داشت رضا شصت‌تیری مغلوبیت مفتضحانه خود را درقبال ستارخان هرگز از یاد نبرد. این‌کینه باروحیه شوونستی وی درآمیخت درنتیجه مدارس حتی صحبت میان نوآموزان نیز به زبان مادری ما قهقن شد؛ ازادارات زبان ترکی طرد شد بجای آن نومی «لال بازی» که یگانه چاره مردم ترك زبان برای اظهار مطلب به فارسی که نمیدانستند بود، گرفت. تفهیم و تفاهم از میان رفت و مامورین فارسی زبان بجای توجه بعلمت این عدم تفاهم، درباره آذربایجانیان دراین زمینه «جوک» ساختند و کار را از نادانی وتیره دلی به گستاخی و توهین گشاندند.

نگاهی به‌آمار تطبیقی فروش کتاب، روزنامه، و توجه به سایر وسایل ارتباط و مدارس وهیره (بادر نظر گرفتن جمعیت) عظمت زیانی را که مردم مامتحمل آنست نشا نمیده‌د. باید تاکید کرد که آذربایجانی هرگز مخالف فراگرفتن زبان فارسی نیست لکن بقول یکی از نویسندگان، مازیا نادری خود را به‌عنوان زبان آموزشی و سوادآموزی و ارتباط در میان خود و فارسی را چون وسیله ارتباط در سطح کشور خواهانیم. دولت اسلامی البته فرمان امام را تنها به‌عنوان رفع تکلیفی پیاده نخواهد کرد و با ارسال فلان مقدار از کتابهایی که در استان‌های ما برای اغلب مردم نامفهوم و ناآشناست کار را بصورت تشریفاتی انجام شده نخواهد پنداشت. زیرا در فرمان امام بیشتر از شکل به محتوی و نتیجه توجه شده است، بنابراین چاره‌ای جز به اصطلاح «منطقه‌ای کردن» سوادآموزی نیست.

در قدم اول باید کتابهای آموزشی نو سوادان منطبق برسنتها، شرایط و زبان مادری مردم هرچه زودتر تهیه شود.

روح انقلاب اسلامی و فرمان امام و تاکیدات مکرر ایشان درباره برابری ترك و فارس و کرد و ترکمن و بلوچ و عرب و ورد هر نوع تبعیض و سلطه جوئی ایجاب میکنند که راهی جدا از ستم پهلوی درپیش گرفته شود و زبان مادری ما از همین فردا در آموزشگاهها، خانه‌ها، بنگاهها... تدریس شود.

پس از این مرحله، فراگیری زبان مشترک ارتباطی ما، فارسی، (به‌علل مختلف، از جمله: وحدت الفبا و امکان یادداشت معانی کلمات به زبان مادری) آسان‌تر انجام خواهد گرفت.

دکتر غلامحسین بیگدلی

هندوشاه نخبوانی نین «صباح العجم» لغتی یا تحفة العشاق

۱۳- اونجو عصرین ایکینجی یاریسی و ۱۴- اونجو عصرین اولرینده یاشامیش ۱۳۳۰ نجی ایلده وفات ائتمیش هندوشاه نخبوانی^۱ آذربایجانین کؤرکملی تاریخچیسی، شاعری، ادبیاتشناسی و دیلچیسی اولموشدور. او، آذربایجان، فارس و عرب دیلریندن باشقا پهلوی (اورتا فارسی) دیلینی ده یاخشی بیلیرمیش. بؤیوک عالم ئوزوندن زنگین و رنگارنگ بیرادیبی میراث قویوب گئتمیشدیر. لیکن اونون قویوب گئتدیگی بواینجی لرین بیرقیمی اوزون ایللر بویو اوزه چیخمامیش و گیزیلی-قالمیشدیر.

هندوشاه نخبوانی نین فارسجا شعرلری نین دیوانی تأسف کی، هله لیک‌الده ائدیلمه میشدیر. لیکن اوغلو محمد نخبوانی نین ترتیب ائتدیگی «صباح الفرس» آدلی فارس دیلی نین ایضاحلی لغتینده آتاسینین شعرلرین دن بول-بول مثال لاز گئیریپ، بیرچوخ نمونه لر وئرمیش دیر^۲.

حقیقته صحبت آهار دیغیمیز هندوشاه نخبوانی نین «صباح العجم» اثرینه گلدیگده غریبه دیرکی، اوزون بیرمدت بو اثری هندوشاهین اوغلو محمد نخبوانی نین ترتیب ائتدیگی «صباح الفرس» لغتی ایله عینی بیر اثر حساب ائدیپ عین مؤلف طرفیندن قلمه آلینیپ، ترتیب اولوندوغونو تصوراتیمیشلر. بودورکی، اثر حقیقته بوصون واختلار اقدر سؤیله نیلن

۱- هندوشاه نخبوانی نین لقبی فخرالدین و اوغلو محمد بن هندوشاهین لقبی شمس الدین اولموشدور. باخ صباح الفرس ص ۲۶ دستور الکاتب مقدمه ۲۰- «صباح الفرس» لغتی نین علمی تنقیدی ۱۳۴۱ نجی ایلده دکتر عبدالعلی طاغتی نشر ائتمیشدیر.

ملاحظه‌لر دومانلی و غیردقیق اولموشدور. بوایشینده اساس سببی بودورکی، ایندییه قدریوبارهده ملاحظه سؤیله‌ین عالم‌لرین‌هامیسی، ائله اوجمله‌دن «صحاح‌الفرس» لغتی‌نین ترتیب‌چیسی و ناشری‌آقای دکتر عبدالعلی طاعتی بئله «صحاح‌العجم» ایضاحلی لغتینی کؤرمه‌میش و بو‌اثرین هندوشاه نخجوانی طرفیندن یازیلما‌سیندان خبری‌دم اولما‌میش‌دی آنجاق بو‌اثرین موجود اولماسی باره‌ده بیر‌بارا‌عالم‌لر‌فقط ۱۷ نجی عصرین مشهور‌تورک عالمی‌کاتب‌چلبی‌نین «کشف‌الظنون» آدلی بیبلیو‌گرافیک لغتینه‌ استناد‌آ خبر‌دار اولموش، وارلیقی‌باره‌ده‌فکر‌یوروتموشلر. آنجاق هئج بیر‌یسی بو‌اثرین‌هارادا اولدوغونو بیلمه‌میش و‌توزونو‌کؤرمه‌میش‌لر.

اثرین‌هله‌لیک‌علم‌عالمینه‌بللی اولان یگانه‌الیا‌زمان‌سخه‌سی براتیسلا‌وشهری‌نین اساس‌کتابخانه‌سینده‌ساخ‌لانیلیر. یوالیا‌زمانین‌براتیسلا‌ودا موجود اولدوغونوفیلولوژی علم‌لری‌دکتر و‌مرحوم‌پروف‌سور‌حسن‌زرینه‌زاده‌کشف‌ائله‌یب، اونون فوت‌صورتینی‌ایلك دفعه‌اولاراق‌سووت‌آذربایجان‌نین پایتختی‌باکی شهرینه‌کتیر‌میش و اونون‌حقیقنده‌یقجام علمی‌معلومات و‌ئر‌میش‌دیر.

تأسف‌کی، نا‌غافل‌ئولوم‌عالمه‌اثری‌گنیش‌صورتده‌تدقیق و چاپ‌ائتدیر‌مگه‌امکان و‌ئر‌مه‌میش‌دی.

اصلینده‌تخمیناً ۶۰۰۰ سؤزدن‌ده‌آرتیق اولان «صحاح‌العجم» لغتی‌اساساً‌ایکی‌دیلده (فارس و‌تورک) سؤزلوک‌دن عبارت‌دیر. آنجاق‌اثرده‌بول-بول‌استفاده‌اولونموش‌عرب و‌پهلوی‌دیلمینه‌ده‌اوچونجو و‌دوردونجو‌دیللر‌کیمی حساب‌ائتمک‌اولار.

بولغت‌کتابی‌آذری‌تورک‌وفارس‌دیلمینی و‌بودیل‌لرین‌تاریخی‌انکشافینی‌ئوگره‌نمک‌نقطه‌نظریندن‌بؤیوک‌اهمیت‌مالیک‌دیر. عین‌حالدا‌ترکیب‌حصه‌سینده‌اولان‌آذربایلی‌میش‌فارس‌دیلمین‌گراماتیکاسی‌و‌آذری‌دیلمین‌۱۳‌نجی‌عصرده‌نه‌شکیلده‌اولدوغوباره‌ده‌شایان‌دقت‌دیر. بیر‌سؤزله‌تورک‌ولوگیانی‌تدقیق‌ائتمک‌هم‌ده‌ایران‌ادیاتینی‌ئوگره‌نمک‌باخیمین‌دان‌اثر‌درین‌اهمیت‌مالیک‌دیر. یوخاری‌دا‌آدلارینی‌چک‌دیگیمیز‌هر‌ایکی‌ساحه‌ده‌صون‌درجه‌قیمتلی‌بیر‌اثر‌دیر‌هئج‌بیر‌مبالغه‌یه‌یول‌و‌ئر‌مه‌دن‌سؤیله‌مک‌اولارکی، بو‌اثر‌ئوز‌علمی‌لیگی‌و‌تاریخی‌لیگی‌اهمیتی‌اعتباری‌ایله‌محمود‌کاشغری‌نین «دیوان‌لغت‌الترک» ابن‌مه‌نائین «حلیت‌الانسان‌وحلاوت‌اللسان» آدلی‌مشهور‌اثرلرینه‌برابر‌زن‌گین‌لغت‌و‌تدقیقات‌منبعی‌دیر. حتی‌بیر‌سرایینی‌لیک‌لر و‌اوستونلور‌لره‌بئله‌مالک‌دیر.

فوت‌صورتینی‌الده‌ائتدیگیمیز‌بوسؤزلوک، ۶۰۰۰ ایل‌بون‌دان‌قاباق‌بؤیوک‌آذربایجان‌عالمی‌و‌دولت‌خادمی‌هندوشاه‌نخجوانی‌قلمی‌ایله‌یازیل‌میش، اساساً‌ایکی‌دیلمی‌لغت

کتابی دیر «صباح العجمین» عربجه یازیلیمیش مقدمه سینده مؤلف بئله بیر ملاحظه سؤیلویور: عالم لرین ترتیب ائتدیگی لغت لرین چوخو فارس و عرب دیل لرین ده اولدوق حالدا همین لغت لرله ماراغلانانلارین اکثریتی فارس و عرب اولمایان ملت لر دیر. اودورکی، من بو اثریمی «صباح العربیه» (۱۰ نونجی عصر لکسیگرافی اسماعیل الجوهری نین عربجه ایضاحلی لغتینی نظرده توتموشدور) لغتین قورولوشو اساسیندا ترتیب ائدیپ اونو «صباح العجم» آدلاندیردیم. یعنی عرب اولمایان خلقلرین استفاده سی اوچون قلمه آلدیم.

دئمهلی هندوشاه نخجوانی یاشادیقی دورده ئوز خلقتی نین معنوی احتیاجینی دویوب، نظره آلاراق اثرینی اساساً تورک دیللی خلقلر او جمله دن آذربایجانلی لار ایچون ترتیب ائتمیشدیر. فارس و تورک دیلینده دئمک اولارکی، بیر نوع ایضاحلی لغت ترتیب ائتمیش و اثره بیر سیرا دیگر یازیلاردا آرتیرمیش دیر.

هندوشاه نخجوانی نین الیمیزده اولان بو ۱۴۵ صحیفه لیک «صباح العجم» لغتی ۳ حصه دن عبارت دیر.

۱- بیرنجی حصه فارس و تورکجه لغت دیر. بورا یا تخمیناً بیر قدر ۴۰۰۰ دن آرتیق لغت توپلامیش دیر. بو حصه نین ئوزوده ایکی بؤلمه یه بؤلونور: بیرنجی بؤلمه ده فارسجا اسم لر عرب گراماتیکاسیندا قبول ائدیلمیش عمومی معنی دا «اسم لر» نظرده توتولور. اونلارین تورکجه ترجمه لر ی وئریلیر... ایکینجی بؤلمه ده ایسه فارسجا فعل لر (مصدر فرماسیندا) و اونلارین تورکجه ترجمه سی وئریلمیشدیر. بو حصه ده اوست-اوسته دؤرت مینده ن آرتیق فارس سؤزو و همین سؤزلرین تورکجه قارش ی لیقلی معناس ی و ایضاح ی وئریلمیشدیر. عمومیتله دیلی ئوگره نلرین ایش ی آسان اولسون-دییه اثرده کی فارس سؤز لری نین هامیسی حرکه لنمیش دیر. بو ایسه دیلچی لیک نقطه ی نظریندن بؤیوک اهمیته مالک دیر. چونکی بواصل ئوزدؤروا ایچون سؤزلرین فونوتیک ترکیبی و تلفوظونو معین لشدیرمک ایچون اساس وئریر و آیدین لاشدیریر.

ایکینجی بؤلمه فارس دیلی نین گراماتیکاسینا عائد تورکجه یازیلیمیش قیسا اوچرک ا دیر. بو بؤلمه ده فارس فعل لرین تعریفی «نوع لری» فرمالاری و زمانلاری مثال لار اراسیندا ایضاح ائدیلیر. اونلارلا علاقه دار گراماتیک قایدا-قانونلار گؤستریلیر بوخیردا جمعی اثرین دیگر بؤیوک اهمیتی اوندادیرکی، او ۱۳ نجی عصرین آنادیلیمیزده نثر نمونه سی دیر. آخی بیز هله لیک آنجاق آذری تورک دیلینده ۱۸ نجی عصرین نثرینی الیه ائده بیلیمیشیک، حالبوکی، بوخیردا اثر ۱۳ نجی عصرین نثر نمونه سی دیر، ئوزوده هندوشاه نخجوانی کی می گؤرکملی بیر عالم و دؤلت خادمی نین قلمی نین محصولودور بودور همین نثر دن نمونه آلاراق بیر

پارچاسینی نظره چا تدییریق:

«بیل گیل کیم مصادر عربی نتیجه کیم اصلیدیر اوندان صادر اولور اسماء و افعال آنجیلین^۱ مصادر پارسی اصل دیر اوندان منشعب اولور قلب اوزان و امثال و غیره. اول مصادر پارسی ایکی دور لودور اما بیری لازم بیری متعدی دور. اول ایکیدن هر بیر سی یه (یا) مفرد دوریه (یا) خود جمعدر. بو مجموعه دن هر بیر سی یه (یا) مثبت دریه (یا) منفی در مصادر لازمین مثالی که هم مفرد وهم مثبت در. دانستن و غیرها. مصادر منفی نین مثالی ندانستن و غیرها. مصادر لازمین کیم هم جمع هم مثبت اولا دانستنھا منفی اولانین مثالی ندانستنھا مصادر متعدی نین مثالی کیم هم مفرد هم مثبت اولا بخشائیدن منفی اولانین مثالی بخشائیدن. مصادر متعدی نین مثالی کیم مفرد هم مثبت اولا بخشائیدنھا منفی اولانین مثالی نه بخشائیدنھا. قاعده بیلگیل کیم مصادر پارسی نین علامتی اولدیکی آخرینده نون اولان ساکن الدوغی حالده مثال دانستن قچن اول نونون ماقبلینی ساکن قیلسان ماضی غایب اولور مثال دانستن قچن اول ماضی نون آخرینده نون و دال زیاد ائتن ساکن اولدوقلری حالدا جمع غایب اولور مثال دانستند...» فوتو صورت صحیفه ۱۰۴.

کتیر دیگیمیز پارچا دادیل، جمله قور و لوشو، ترکیب لر و دیگر گراماتیک قانونلار ملیس و اولدوقجا کؤزل، محکم و هرشی نوزیئرین ده دیر. نثریشمش و گوجلویبر نثر نمونه سی دیر بو ثبوت ائدی رکی، آنادایلمیزده کی نثر هله بوندان چوخ-چوخ قاباق یازیا کلیمش و بوجور صاف لاشمیش کؤزل لشمیش دیر و بوسویه یه یوکسلمیشدیر.

اثرین اوچونجو حصه سی ایسه فارس دیلی نین گراماتیکاسینا دایر عرب دیلینده داها گنیش بیر اوچرک دن عبارت دیر. بو حصه نین سطرلری آراسیندا وحاشیه لرده تورک دیلینده ایضا حلازل واردیر. بورا دادا فارس جافعل لرین تصریفی، نوعلری وزمانلاری مثال لار اساسیندا ایضاح ائدی لیر. بوندان باشقا اسمین مختلف کاتیکوریا لاری مورفولوگیا، لکسیکولوگیا، اتیمولوگیا و سایر باره ده اولدوقجا ماراغلی قیدلر واردیر. بو اوچرک بئله بیر جمله ایله صونسا چا تدی ریلیمیش دی: «تمت الصحاح المعجم بحسن التوفیق والیسرالی الابد منها لکل طالب الفارسی من صغیر الکبیر. قدوق الفراغ من هذاه النسخه. سنه احدی وستین وتسعمانه (۹۶۱ هجری برابر ۱۵۵۴-۱۵۵۳ مسیحی) بعون الله. بودا الیمیزده کی نسخه نین کؤچورولمه سی تاریخی دی.

هندوشاه نخجوانی نین فارس دیلینین گراماتیکاسینا عائد یازدیقی ایسترتورک ایسترسده عربجه اوچرک چوخ بؤیوک اهمیته مالک دیر. اونا گؤره کی، بو اوچرک لر هم فارس دیلی نین ان قدیم گراماتیکاسی حقیقته بیزه گنیش معلومات وئریر همده کی تورکجه یازیلان نثر حسه سی

۱- آنجیلین-ایله جه ده دیمک دیر. سوز سلجوق دور و تورک لر اصطلاحلاریندان دیر.

و لغت لرين معناسى اولدوقجا ماراغلى و دقته لايقدير. بونودا قيد ائدك كى، ۱۹ اونجى عصرين باشلانقچينادك فارس دىلى نين گراماتيكا سى و يازى قايدا-قانونلارينا عائد «صباح العجم» ده كى اوچرك لرتدر ييغجام، آيريجا و علمى بير اثر قلمه آئينماميش دير.

هندوشاه نخجوانى نين «صباح العجم» لغتى بير سؤزلوك اعتبارى ايله ده ئوزوندن اولكى لغت لردن چوخ زنگين و كامل دير. اگر اسدى طوسى نين توپلادىغى «لغت فرس» سؤزلوگوتخمينآ ۱۰۰۰ و قطران تبريزى طرفيندن ترتيب ائدىلميش «التفاسير» آدلى سؤزلوك بير قردره ين دن چوخ سؤز و احاطه ائديرسه. هندوشاه نخجوانى نين «صباح العجمى» بوتونلوك ده ۶۰۰۰ دن چوخ سؤز و احاطه ائدير ئوزوده ايضاحلى لغت دير، پهلوى و عرب ديلينه ده معين يئروئريلميش و اودورايجون ذيروده دير.

صباح العجم لغتى تورك دىلى تاريخىنى ئوگر نك نقطه نظريندن ده مثل سيسز اهميته مالكدير. ايندى يه ده كه فقط اون اوچونجى عصرين شعر نماننده سى اولان حسن اوغنون بير نچچه مصراع شعرى علم عالمينه بللى اولدوغو حالده هندوشاه نخجوانى طرفيندن همين عصر ده ترتيب ائدىلميش ۶۰۰۰ سؤزدن چوخ لغت كتابى البته كه ديليميزى و اونون تاريخىنى ئوگر نك اوچون چوخ اهميتلى و ماراتقلى بير كليات، عوض سيز بير آيدده دير. ايله جه ده بير پارچاسىنى تقديم ائتديگيميز نثر حصه سى هله ليك علم عالمينه بللى اولان ان قديم آذرى توركجه سى نئريدير. بو نادر كتابين نئرى نين ديليميز ايجون نقدر ضرورى اولدوقو كؤز قاباقتندادير.

كتايين صونوندا «صباح العجم» سؤزلوگوندن و اوراداكى اوچرك لردن فرقلى اولاراق «تورك ديلينه ده عروض علمى حقينده» باشلىق آلتيندا ۱۱ صحيفه دن عبارت بير يازى دا واردير. اونون مؤلفى XVII-عصرين تانينميش عالمى على بن حسين الآماسى دير. گورونور و اختيله جلدچى لر طرفيندن بير مير قديم الياز مالارى صحافلىق اولوب جلد توتولايدا بو خيردا حجملى اثر ده «صباح العجمين» آردينا دوشوبدور. بواندره XVII-عصر آذرى تورك ديلينين نثر نمونه سى دير. دوزدورا نرين دىلى هندوشاه ديلينه نسبت بير قدر غليظ لشميش و مركب لشميش دير. آنجاق همين نئرين ده ديل تاريخىنى ئوگر نك اوچون دقته لايق اهميتى واردير. اثر حجم اعتبارى ايله خيردا اولسادا، مضمون و ديل باخيميندان چوخ دگرلى دير. XVII-عصر ده آذرى توركجه يازيلان عروض وزنى باره ده يقجام و ماراغلى اثر دير. اثرين

۱- عز الدين پورحسن (حسن اوغلو) XIII-عصرين صونو و XIV-عصرين اوللرين ده خراسان ولايتينين اسفراين شهرين ده ياشاميش دير. اوندان آذرى توركجه هله ليك تك بيرجه غزل الدهه دير.

مضمونونا کچھ ہمیش دن اول اونون دیلینی هندو شاہ دیلی ایلہ مقایسہ اتمک او چون باشلان تیج دان
بیر پارچا وئریریک. اثر بشلہ باشلانیر:

«الحمد لله رب العالمين والصلوة على خير البريدين محمد واله الاجمعين. اما بعد بيلگيل
و آگاه اولغيل کم بوفن عروض و علم میزان حلیه ظرفا و پیرایه شعرا در. تیمگه و آیدیلیمیش
شعری اوتقمه سبب و قوه دیر. بس بو بنده عاصی و مجرم قاصی الراجی الی رحمت الخالق
الاناسی علی بن حسین آلامسی ضانه الله عن القلب القاصی عفی عنهما بلطفه و الکریم و انعامه
العمیم، بودور فواید و غرر فرایدی جمع ائدوب گاتر مکدن مقصود کلی اولدور کیم، طبع
سلیم و ذهن مستقیم اولامحب مخلص عزیز قراندش لر. بونسخه مفیده دن مستفید اولدوقلری
وقت امیدکه، احسان لریندن بونک مؤلفینه فاتحه الکتاب قیلوب و انعام ائده لر. انشاء الله
العزیز...». صوترا ۵-جه صحیفه ده عروض علمی باره ده یقجام معلومات وئریر، عروض
وزنینین بحر لرینی مثال لاراسا سیندا نمایش ائتدیریر. بو دور بیز اونلاردان بیر نتیجه سینیی
نمونه اولاراق تقدیم ائتدیریک.

مؤلف ۱۶ بحر ایضاح ائدیپ اونلاری مثال لارلا نمایش ائتدیریر و فارسجا یازیر:
مثال اوزان این است:

بحر هزج سالم مثنی

یری دیر لالهوش جانا سراسر سینه داغ اولسون

که غم شأنینه گلدی کجه منقش بیر اطاق اولسون

مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن

بحر هزج مخذوف مسدس

صحنک واللیل یوزک آیت نور رخک آن دادور نور علی نور

مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن

بحر هزج اخرب مکفوف

زلفونو گورن دایره حسنوند اقرب دئدی که یئنه اولمیش ایکی منزل عقرب

مفعول، مفاعیل، مفاعیل، فعولن

بحر هزج اخرب مثنی

گلزار چنان لطفو، حسنونده مزین دور

شیر و عسل-کوئر، لعین ده مبین دور

مفعول مفاعیل مفعول مفاعیل

بحر منسرح مطوي مكسوف

لوه لوه ترديرديشون، لاله حمرا يوزون

عنبر سارا ساچين، نرگس شهلا گوزون

مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن

بحر منسرح مطوي

ای لئی یاقوت تر، دیشلری لؤلوی ساچلاری مشک ختن بزلری هندو

مفتعلن فاعلن مفتعلن فع

بیز بو اثری هندوشاه اثری ایله هنج علاقہسی اولماسادا اختصارلا تقدیم ائتدیک، خصوصاً بو ایکی نثر پارچالاری نین مقایسهسی بیزجه دقتہ لایق ایدی. گتیریلن بیت لردہ نہ قدر گۆزہل و ماراغللی دیر. اثرین علمی اہمیتی دہ البتہ ئوزیرین دہ دیر...

صباح المعجم یا تحفة العشاق اثری نین بعضی مشخصاتی

۱- اثرین خطی قرآنی نسخہ دیر. هر صحیفه ده ۳۰-۴۰ سوز واردیر. حاشیه لردہ ایسه ۲۰-۳۰ سوز یازیلیب.

۲- اونون صحیفه لرینین حاشیه لرینده نسخہ فرقلرینه اشاره ائدیلمیشدیر.

۳- لغتین متنی تام حرکه لنمیشدیر. (مقدمه حرکه سیزدیر)

۴- لغت لردہ تور کجه (اساس)، فارسجا، عربجه ایضاحات و تریلمیش دیرکه، بیر نوع

۳ دیللی لغت کیمی اولموشدور.

۵- حاشیه لردہ متن دہ المایان چوخلو سؤزلر علاوه ایدیلمیش دیر.

۶- الف حریفینده آ اول صونرا ایسه آ ا ایله باشلان سؤزلر و تریلمیش دیر. (آنجا ق

آردیجیل دگیل).

۷- لغت دہ ج ایله چ حرفی و ب ایله پ حرفی دایله ذ حرفی، ز ایله ژ حرفی ک ایله

گ حرفی بیر یرده و تریلمیش دی.

۸- لغت دہ سوز لرله بیرلیکده شکل چیپر، قوشمالار، جمع علامت لری، ندا عوض

لیک لرله بیرلیکده گؤتورولموش سؤزلر و سایرہ ماده لر کیمی لغتہ داخل ائدیلمیش دیر.

۹- بو لغتین ان بؤیوک نقصانی اودورکه، سین پایندن تال با بیته قدر دوشموشدور.

۱۰- بئله لیک له ده الیمیزده اولان نسخہ دہ ش، ض، ط، ظ، ع، خ، ف، ق، ک حرف لری نین

لغت لری، سؤزلری یوخدور. ایتیپ آزادان گتدیپ دیر. دئمہ لی اصل «صبح المعجم»

۱- خال

سۇزلوگونون $\frac{1}{3}$ حصەسى لدە دكىل و موجود اولان بودۇرت مین لغت بواثرین تخمیناً

$\frac{2}{3}$ حصەسى دیر اودورکە، ییژاثری تام شکلدە آلتی مین لغت حساب ائدیریک.

لغتین ترتیبیندە مرتب ئوزوندن اولکی آشاقتاکی لغتچی مؤلفالرین اثرلریندەن استفادە ایتمیشدیر:

- ۱- شامل اللغت سۇزلوگو
- ۲- پهلوی دیلیندە سۇزلوک
- ۳- بحر الغرایب سۇزلوگو
- ۴- صحاح العرب سۇزلوگو
- ۵- مشکلات فی اللغت سۇزلوگو

چوخ احتمالکە، بوسۇزلوک، یعنی «صحاح العجم» کتابی فارسی دیلیندە چوخ ایشلە نیلن عرب سۇزلرینی ئوگرە دەن لغت کتابی کیمی نظرە آلینمیش. اساسی مقصددە فارس دیلینی ئوگرەنمک ایتسەن آذربایجانلی اوچون ترتیب ائدیلمیش دیر.

کتابین ترکیب حصەسى بئلە دیر

اسم لر لغتی	۸۹	صحیفە
فعل لر لغتی	۱۶	صحیفە
تورکچە گرامر	۳	صحیفە
عربچە گرامر	۱۶	صحیفە
عربچە سۇزلوک	۲	صحیفە
عروض حقیقندە	۱۱	صحیفە آماسی اثری دیرکە بورایا تصادفاً داخل اولموشدور
فارسیجا سۇزلوک	۳	صحیفە

قید ائدییک لغتدە بیرسرا پهلوی سۇزلری دە ایشلنمیش دیر اونلاردان بیرنئچە نمونە کومستریریک:

پهلوی	ترک
رشگور	حسود
رکور	پاخیل
ویر	عقل
ویرو	عقلی
نواگر	چالقچی

اقلیم	طراز
ئولچو	قفیز
حد-اقلیم	مرز
طاماحکار	بیوس
پهلوان	یل
بیلرزیك	ابرنچن
کیشی	کاکا
شکایت	مست
روزگار	دیرند
بیغمبر	وخشور
مطرب	نواگر
ئولکه	گرز
پهلوان	گوزن
قوناق	میز
اکیتچی	یاز-ایاز
میمن	کیبی

ترك دېليته او عصرين تلفظونده كى بعضى سۆزلر

قو كى	فارسی
اوتمكچى	نانوا
كۆملك	پیرامن
طشره	پیرون
یگیت	جوان
هگبه	خورجین
امسم	درمان
اگه-یه	سوهان
قونق	مهمان
قورقق	هراسان
آنچیلین	آنچنان
بونچیلین	اینچنین
کیك	آهو
قرلنقچ	پرستو
سولکون	تذرو
بکوچی	جادو
سولوك	زالو
یارامسق، یاراماز	کالیوه
اوجماق	مینو بهشت
ایشیک	آستانه
ئولچك	پیمانہ
توتون (توستو)	دود
طابق	گواشاھد
ییتی	نامہ

آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش

(۷)

یازان: دکتر جواد هیئت

نباتی: سید ابوالقاسم نباتی ۱۹ اینجی عصرین ان گؤرکملی آذری شاعرلریندن اولوب، بلکه ده او عصرده ایران آذربایجانین ان گؤرکملی شاعری دیر. اونون نباتی، خان چوبانی و مجنونشاه تخلصلریله یازدیغی اثرلر هله ئوز ساغلیغیندا الدن اله گزیر و ائلدن ائله دولاشیردی. نباتی نین بیر چوخ شعرلری ایران و آذربایجاندا سوای ترکیه و اورتا آسیادا مشهور اولموشدی. ئوزو بوباره ده بئله دئییر:

میدان عشقده سهییر تدیم آتی مسخر ائله دیم رومی هراتی

از شعر دلفریب نباتی نه این جهان نه گنبد سپهر برین زیب و شان گرفت

نباتی متصوف بیر شاعر دیر و فارسجا-تورکجه دیوان یازمیشدیر. دیوانی ایلك دفعه تبریزده صونرادا تهران و باکودا چاپ اولموشدور. نباتی هم کلاسیک ادبی سبکده هم ده خلق شعری طرزینده شعرلر یازمیش و محلی آهنگلرله اوخونان کرمی، گریلی و قوشمالاری عاشقلارین ازبری اولموشدور.

نباتی حقیقته ایلك تحقیقی معلوماتی آذربایجانین مشهور ادبیات شناسی مرحوم فریدون کؤچرلی وئرمیشدیر.

کؤچرلی اونون باره سینده بئله ده ییر: سید ابوالقاسم نباتی **آذربایجان تورک لری نین خواجه حافظی، شمس تبریزی سی** و حتی بعضی اشعار و کلامیندا

جلال الدین رومی منزله سینده دیر. اودرویش مسلك بیر انسان اولوب، دنیانین شوکت و مالینا اعتنا ائتمزدی نباتی نین تولد تاریخی قطعی بیلمیمیر ۱۸۰۰ ده آنادان اولدوغو تخمین ائدیلمیر. نباتی بساره سینده ایکینجی یازیلی منبع مرحوم محمدعلی تربیتین یازدیغی «دانشمندان آذربایجان» دیر. تربیتین یازدیغینا گؤره نباتی سید محترم اوشتینینی نین اوغلو دور بیر مدت اوشتین ده یاشامیش صونرا اهره مهاجرت ائدیپ، شیخ شهاب الدینین مقبره سینده ریاضت و سعی ایله مشغول اولموشدور. عمر و نون صونلاریندا اوشتینینه قایتمیش و (۱۸۶۰-۱۸۶۲) ده وفات اتمیشدیر. مزاری اورادادیر.

شاعرین نباتی و خان چوبانی تخلص لرینی سچمه سی نبات آدیندا بیر قیزا علاقه سی و بیر مدت چوبانلیق اتمه سیله علاقه داردیر. گؤز لر گؤز لریم ردیفلی شعرینده آنادیلینین تور کجه اولدوغو و چوبانلیقلار تباطی آیدینلانیر.

شهر بند دلده بیر سلطانی گؤز لر گؤز لریم
بیر شه زرین کمر خاقانی گؤز لر گؤز لریم
بجه ی تورکم، دیلیم تورکی، کلامیم هجومجو
خان چوبانی جان آلان، جان جانی گؤز لر گؤز لریم
قویونو یوز ائیله دیم بوچؤلده قیشلاق اتمه نم
زینت ملک مغان اولتانی گؤز لر گؤز لریم

فارسجا شعرینده ده بئله دئییر:

از خامه ی خان چوبانی من
خواهی که شوی تونیز موسی

عاجز شده کلک مانی من
یک چند بکن چوبانی من

مجنون دئییر لر آدیما اما نباتی ام
دائم ایشیمدی کام آیرام من نباتدن

عالم بیلیر کی، من بیبه رم متصل نبات
نیاتی باشقا شعر لرینده سؤگیلی سینین آدی گزگز اولدوغونو بیان ائدییر:

نسبتی یوخ پری یسه گزگزین آلاه بیلیر

ملکین حدی نه دی حوری او، حورا، حورا

بیری صهبادان اولوب مست بیری مینادن

منی دیوانه قیلیپ بوگؤزو شهلا، شهلا

قورخورام اینجییه مجنون ، کوسه مندن ، یوخسا
دییهرم گزگزه همتا اولایلی نه چیدیر

گتدی شیرین و زلیخا ، اله گلمز لیلی
ایندی بو عصرده کیم ، آفت دوران گزگز
تاهماسان داخی نباتی کیمی افسانه دییهن
الینه شمع گؤتور ، گون کیمی یان ، یان ، گزگز

عرب، فارس وتورک دیلرین اینجه لیکلرینه ده ک بیلنه شاعر کلاسیک لری اوخویوب
منیمسه میش و تعلیمی استاد لاریندان آلاراق موضوعلاری ایسه ئوز محیط و زمانیندان
آلمیشدیر. اونون غزل دیلی ساده، تشبیه، استعاره لری ینی دیر.

نباتی ده حافظین بؤیوک تأثیری اولموشدور. اونون فارسجا شعرلرینده حافظ غزل لری نین
تخمیسی خصوصی یثرتوتلر. تور کجه شعرلرینده ده حافظ یولو، تفکر طرزی و دنیا باخشی
ئوز تأثیرینی گوسترمکده دیر.
درد نوش حافظم رندانه معنا سؤیلهرم

اوشتیبنده باده خلاری گؤزلسر گؤز لیریم

نباتی ده نسیمی نین ده گوجلو تأثیری واردیر، ایشله تدیگی بیر چوخ فکر، موضوع
و حتی کلمه و افاده لر نسیمی اثرلرینده اولدوغو کیمیدیر: نسیمی نین «منده سیغار ایکی
جهان، من بو جهاننه سیغمازام» فکر و افاده نباتی ده:
شد جلوه گر جمال تو چون در مثال من.

در حیرتم چگونه مرا این جهان گرفت

کیمی بیان اندیلمیشدیر.

نباتی ده علی شیرنوائی نین ده تأثیری اولموش فقط فضولی نین تأثیری دها گوجلودور
بعضی شعرلرینده سانکی فضولی ایله دانیشیر.
فضولی:

ای اسیر دام غم بیر گوشه میخانه توت

توتماز هادین مخالف پندینی، پیمانان توت

نباتی.

توتدوم گیئه خوش هنگ ایله میخانه نی میخانه نی

ساقی اماندیر دورما ، وئر پیمانان نی ، پیمانان نی

فضولی نین مشهور:

دوست بی پروا فلک بی رحم دوران بی سکون
درد چوخ همدرد یوخ دشمن قوی طالع زبون
بیتی نباتی نین فارسجا یازدینی بیر شعرینده تضمین ائدیلمیشدیر.
شاعری را که در این عصر نیرزد به جوی
در حقیقت بجز از بیهده گوئی کاری

یار بی رحم و فلک دز سرگین من بی کس
چاره آنستکه سر داد در این ره باری
نباتی ده صائبینده تأثیری اولموش نباتی اونی محرم خلوت و مونسى حساب ائدیور:
محرم خلوت انسوم هانی صائب صائب
لحنه باخ نغمه یه باخ بلبل شیدانه چیدیر

سهل ساندیم عشقی اول بس دئدیم بازیچه دیر
ایندی گل گور موجیه طوفانی گوزلر گوزلریم

گرفتم سهل سوز عشق را اول ندانستم
که صد دریای آتش از شراری می شود پیدا (صائب)
یوخاریدا آدینی چکدیگیمیز کلاسیک شاعرلردن سوای شاه نعمت اله ولی، ابن سینا،
خیام، مولوی، جامی و باشقالاری نین دا نباتی ده تأثیرلری اولموشدور. هله مولوی نین
تأثیری فارسجا شعرلرینده دهاچوقدیر:

دیوانه شو دیوانه شو از جمله کس بیگانه شو
عاشق مشو گفتم ترا چونکه شدی مردانه شو
بر باده ده سجاده را آتش بزنی این خرقة را
بر شمع روی مهوشی پروانه شو پروانه شو
با زاهدان الفت مکن با عابدان صحبت مکن
در حلقه دردی کشان پیمانہ شو پیمانہ شو

با خرقة پوشان کم نشین از صوفیان دوری گزین
چون عاشقان سنگ و مست مستانه شو مستانه شو
این پند من در گوش کن جام تجرد نوش کن
در گوشه میخانه ای رهبانہ شو رهبانہ شو

درخانه منشین چون زنان بیرون خرام ازخانمان
 مانند مجنون در زبان افسانه شو افسانه شو
 باید نمودن ترك سر از دین و دل گشتن بدر
 گر طالب یاری ز خود بیگانه شو بیگانه شو
 بر هر گلی مایل مشو یکدم ز خود غافل مشو
 در مسند فقر و فنا سنگانه شو سنگانه شو
 از مسجد و از صومعه حاصل نگرود مطلبی
 همچون نباتی ساکن میخانه شو میخانه شو
 نباتی نین بوغزلی نی مولوی نین آشاعیدا کی غزلریله مقایسه ائدره سک مولوی نین
 اوندانہ درجه تأثیر بوراقدینی آچیقلا نیر:
 حیلت رها کن عاشقا دیوانه شو دیوانه شو
 واندر دل آتش درآ پروانه شو پروانه شو

.....
 گر عاشقی در عشق او دیوانه شو دیوانه شو
 ور هوش داری زودتر مستانه شو مستانه شو
 گر عاشقی روغم مخور در آتش عشقش گذر
 پس پیش شمع روی او پروانه شو پروانه شو
 گر مرد عشقی مردسان از خانه بیرون نه قدم
 ور مرد عشقش نیستی باخانه شو باخانه شو
 نباتی حضرت علی یه حیرانلیقلاباغلیدیر و اونون مدحینده قصیده و غزلار سؤیله میشدیر.
 مثال ایچون آشاعیدا کی ترجیح بندی نقل ائدیریک:
 سلقیا دور باده وئر آچیلدی گل گلدی بهار
 ابر رحمت ائپله دی صحرا و باغی لاله زار
 ناله چک بلبل کیمی دوررقصه گل دیوانه وار
 مست مستانه بو اسمی سؤیله هر دم آشکار
 شاه مردان شیریزدان حیدر دولدول سوار
 لافتی الا علی لاسیف الاذوالفقار
 بالغون قاریندا یونس اولدی چون زار و حزین
 طاقتی طاق اولدی گتندی صبری اولدی چوخ غمین

حاضر اولدی اول زمان یانیندا جبریل امین

سؤیلهدی غمدن خلاص اول ائیله بوذکری همین

شیرمردان شیریزدان حیدر دولدول سوار

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

ماه کنعانی چوانتدی رنج زندان بیقرار

اولدی زنجیر جفادان جسم پاکی پارپار

حددن ئوتدی چومحت تاہمادی بیرغمگسار

یوز دوتوپ درگاه حقہ سؤیلهدی بی اختیار

شاهمردان شیریزدان حیدر دولدول سوار

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

ای نباتی مدح شاهی دایم ائیله آشکار

تا که اولسونلار خوارچلر حسدن کوروکار

حاصل اولدی تا مرادین غافل اولمازینهار

سؤیله بو اسم عظیمی دمبدم بی اختیار

شاهمردان شیریزدان حیدر دولدول سوار

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

نباتی نین بیر فارسجا بیرده تورکجه بحر طویلی واردیر نمونه ایچون هرایکی سیندن

بیر پارچا نقل ائدیریک: **بسم الله الرحمن الرحيم:**

منبع چشمه هر کلمه که جاری شود از نطق و بیان کام و زبان اسم خداوند عظیم است که

از لطف و کرم داده بهر نوع بشر عقل و هنر قوت و ادراک دوا برو و دو گوش و دو بصر

عارض مانند قمر سرو قد موی کمر کاسه سرمد نظر هوش و برودوش و بنا گوش و لب

نوش و... ایشته تورکجه بحر طویلدن بیر پارچا:

سنی من ای مه انور نجه تعریف قیلوم یوخدی شهبهون بولطافت بوشرافت بوجهان

اوزره پری حور لر اولمز نه دئییم قاله می شام عاجز بووجاهت بومسلاحتده زلیخا نه دی لیلی

نه دی عذرا نه دی سلمی نه دی.

بالله که اوزون تک اولایلمه ز گل حمرا هابثله یوخدی قدون تک چمن دهرده بیر سرو

دلارا و نه شمشاد و نه عرعر نه صنوبر هانی زلفون کیمی سنبل...

ایمندی تجتیس لریندن ده بیر نمونه نقل ائدیریک:

صبا، بو عرضیمی اله سالما، یا

نه چون گرهک منی یاداسالما یا

یتیر بو عرضیمی منیم سلما یا

اونون نباتی تک آیاغی گرهک

نباتی زمانیندا ایران-روس محاربه‌لری فقیر و جهالتده قالمیش خلقی داها فجع و
دؤزوم سوزییر حاله گتیر میشدی. نباتی بوتون بو هرج و مرج لیک و فقر و فلاکتله شاهد
اولموشدی. بو جریسانلار اونون حساس روحونو سیزلاتیب، شعرلرینده ئوز تأثیرینی
گؤستر میشدیر. آشاغیداکی رباعی بونون بیر مثالی دیر:

در درگه خلق بندگی ما را کشت

از بهر دوان دوندگی ما را کشت

که منت روزگار که منت خلق

ای مرگ بیا که زندگی ما را کشت

بو چؤل اولموشدا منیم باشیما چوخ ایش گلدی

چاتمامیش یایه خبر گتدیله کی، قیش گلدی!

نباتی بوجانی یاخان حادثه لردن امیدینی کسمیر ویرا ایناملا بو دردلوئه چاره ائده جک

بیر قهرمانین یولونو گؤزله ییر:

غارت ائیلر عمر و هر بی درده دردی سؤیله مک

غم یوکون آچماغا بیر غمخواری گؤزلر گؤزلریم

بی کس و بیمار دشمن لیر کسب اطراقیمی

بیر شه خونخوار، بیر سیاقی (شمشیرزن) گوزلر گوزلریم

ایدل غمدیده پرکش آه و افغانی تو نیز

سر بیالین نه شبی در فکر جانانی تو نیز

چون نگیں سلطنت در دست دیو افتاده است

پس بدست آور در این کشور سلیمانی تو نیز

بونونلا بئله بعضاً شاعر امیدسیزلیگه دوشور گؤزه دیگی نین حسرتیله فریادا گلیب

فلک لری ده اتهام ائدیر:

نه مدت دیر منی بیچاره یارب یارسیز قالدیم

پوزولدورونقیم داغیلدی ائو پرگارسیز قالدیم

کیمه اظهار ائدیم دردیم هانی بیر محرم اسرار

غمیم چوخ غمگساریم یوخ عجب غمخوار سیز قالدیم

غم هجرانه یانددیر دین منی ای چرخ دون بسدیر

رحیم اسمینه آلاهیین دئیم، اقرار سیز قالدیم

نباتی نین اثرلرینده ظلم و ظالم لیر علیهینه چوخلو کسکین (قطعی) فکر و افاده لیر

بوصوفی مسلک شاعر اوزون مدت تشیع و وحدتہ وجودہ اینانیب بوایناملاقصیدہ لر یازدیغی حالده بعضاً حیرت و شک و تردیدہ دوشحوش و بوزمینده ده غزلر مسؤوله میشدیر (هله لنگ لنگ لنگم) شعری اونون بوصون خالینی گؤزل بیان اتمکده دیر:

نه مکدرم نه شادم نه نهان نه آشکارم
 نه ز خاکم و نه بادم هله لنگ لنگ لنگم
 نه چو غنچه در شکفتم نه نعم نه لاشنفتم
 نه غمش بدل نهفتم؛ هله لنگ لنگ لنگم
 نه شراییم نه بنگی نه خیالییم نه رنگی
 نه مغنی ام نه چنگی هله لنگ لنگ لنگم
 نه رفیق بوستانم نه قرین گلستانم
 سگ کوی د لستانم هله لنگ لنگ لنگم
 نه ستاره ام نه ماهم نه گدا نه پادشاهم
 نه میان این دوراهم هله لنگ لنگ لنگم
 نه زمین و آسمانم نه از این و نه از آنم
 نه دیار لامکانم هله لنگ لنگ لنگم
 نه پری نه جن و انسان نه ملک نه محور غلمان
 نه فلانم و نه بهمان هله لنگ لنگ لنگم
 نه ز کان و معدنم من نه ز گنج مخزنم من
 نه منم نه من منم من هله لنگ لنگ لنگم
 نه جوانم و نه پیرم نه کمانم و نه تیرم
 نه صغیر و نه کبیرم هله لنگ لنگ لنگم
 نه ز لعل بی بهایسم نه ز در بی صفایم
 نه نوا نه بی نوایم هله لنگ لنگ لنگم
 نه حلولی ام نه دهری نه کناری ام نه بحری
 نه ریاضی ام نه جفری هله لنگ لنگ لنگم
 نه منجم نه کاهن و نه ساحر و مداحن
 نه بزارعان کواهن هله لنگ لنگ لنگم
 نه نباتی ام نه بنگی نه مصالحم نه چنگی
 نه مجوس و نه فرنگی هله لنگ لنگ لنگم

نباتی آختاردینی حقیقتی طریقت لرده تاپایلمه دیگی ایچون طریقتلر آراسینداکی
مباحثه لردن بزیکییر و بیله دئییر:

جانا اود ووردوم نوزوم پروانه لردن کوسموشم

تا که مجنون اولموشام دیوانه لردن کوسموشم

بیر غلط سوز دور که ده لر گنج اولور ویرانده

گنج یوخ ویرانده ویرانه لردن کوسموشم

حاصلیم اولدی تحزیدن ندامت توشه سی

ایندی اول باش آغریدان افسانه لردن کوسموشم

من ائشیتدیم اول گلون میخانه لر دیر منزلی

اصلی گوردوم یوخ گلوب میخانه لردن کوسموشم

خانمانیمدن منی سالدی نباتی دربدر

عقله باخ مجنون کیچی بیگانه لردن کوسموشم

نباتی نین خلق شعری و نغمه لرینه اویغون یازدیغی شعرلری لیریک حس له بیرلیکده
یوکسک اجتماعی فکر لرده احتوا اتمکده دیر. بویولدا واقف دن ده استفاده ائدیپ اونون
یولوندا دوام اتمیشدیر. خلق دیلینده یازدیغی شعرلرینده نباتی نین موسیقی شناس اولدوغو
دا آچیقلا نیر. چونکه شعرلرینده بیرچوق آهنگلرین آدینی (نوا زمینخوا را، شور شهناز،
حسینی، نیشابوری و سایره) ذکر ائدیر.

معاصر دوره ده حرفه ای آهنگساز لارین بسته له دیگی نغمه لره شاعرلرین صورادان
سوز یازماسی حاللاری معلوم دور. بوحال شبهه سیز کتچمیشده اولموش بعضی نمونه لری
کلیپ بیزه چاتمیشدیر. نباتی ده خلق نغمه لرینه سوز یازمیشدیر.

اونون «گلمه گلمه گتت، یاخشی یاخشی سن»، «گتت دولانگینه ن، خام سن هنوز»
و «بویله بی وفا اولما، ای پری» مصراعلریله باشلانان شعرلری و بیرنجه باشقا اثری
«زمین خواراتصنیفی» آهنگینه چوخ اویغوندور.

نباتی نین خلق شعری روحوندا یازدیغی اثرلر اوزون مدت عاشیقلرین دیلی نین ازبری
اولموش حتی گمچن عصرده یارانان بعضی آذر بایجان داستانلارینا کتچمیشدیر. شمالی آذر بایجان
و مغانین مهم قسمتی نین ایراندان آیریلما سیه علاقه لی اولان و بو اونودولماز غملی
حادثه نی ترنم ائدن آشاغیداکی ائل ماهنی سی نباتی نین نوز خلقلیه اولان سیغی (برک)
مناسبت و باغلیلیغینی گؤسته ریر:

کلمه سین بو ایل مغانا

گتدین دئین خان چوبانا

مغان باتیب ناهق قانا!

صون اولاراق نباتی دن ایکی غزل نقل ائدیریک:
سحر میخانه اطرافین گزیردیم مست و بی پروا
کی گوردوم اوندا ناگه بیر عجایب صورت زیبا
مسلسل زلف چینینده مرصع طوق بوینوندا
فرنگی اطلس اینینده ، باشیندا معجر حمرا
ملک منظر پری پیکر سخن گستر وفا پرور
بت مه رو گل خوشبو سوز و شکر گوزو شهلا
سمن رخسار مشکین مو شلایین قامت دلجو
سراسر فتنه و جادو سراپا شورش و غوغا
گورن ساعتده ذوقمدان ییخیلیدیم مست ولایعقل
داغلیدی عقل باشیمدان ، آلیشدی آتش سودا
پریشان اولدی حوالیم توکندی صبر و آرامیم
گریبان چاک ائدیپ دووم یئریمدن واله وشیدا
منی گورجک بو حالتده او سرو باغ دلبندی
کلیب یانیمدا اگلشیدی الیتده ساغر مینا
کرم قیلدی منه بیرجام، آلیب مردانه نوش ائتدیم
دوروب ئوپدوم آیاغیندان دئدیم ای ئانی لایلا
اگر گورمک دیلر سن صورت مجنون شیدانی
اوزاق کزمه تماشا قیل بودور اول عاشق رسوا
شکسته خاطر و حزون سوز و آشفته، دیگرگون
توتوب نقش ره مجنون گزر وحشی کیمی صحرا
نباتی حمد قیل آلاهیهمین شکر و ثنا ائیله
کی، مجنونون مقاماتین سنه روزی ائدیپ مولا

نسبت سنه ای شوخ ، زولیعخا اولاییلمهز
بو عشوه ده بو غمزه ده لایلا اولاییلمهز
آهوی ختن سندن آلیب . طرز نکاهی
گلبرگ لبین تک گل حمرا اولاییلمهز
ائتمن (اتمهرم) گوزونورگس شهلایه برابر
زلف سیهین تک شب یلدا اولاییلمهز

جان نقدینه بیر بوسه کرم قیل سنی تازی
 دخی دئمه «الچک» کی، بو سودا اولاییلمهز
 مندن سنه عجز ائیله مک اولسون گنجه گوندوز
 سندن منه هی ناز کی حاشا اولاییلمهز
 بس کی منی گؤرچک منه وحشی کیمی باخدین
 ایندی داحی مجنون منه همتا اولاییلمهز
 چوق عشقه دوشن عاشق بیچاره نی گوردوم

هیچ بیرى نباتی کیمی شیدا اولاییلمهز
طوطی: قره باغ حاکیمی ابراهیم خلیل خانین اوغلودیر آدی ابوالفتح خان دیر.
 باباسی نین صلاحدیلله ایرانا گلیب عباس میرزانین یانیندا تقرب تاپیب و ۱۲۵۵ هجری
 تمزیده وفات اتمیشدیر. تورکجه و فارسجا گؤزل غزللری و تک بیتلری واردیر:

اوگون کیم حسرتیله اول بت زیبادن آیریلدیم
 قالوب بیر صورت بی حس کیمی معنادن آیریلدیم
 چکوبال خلقدن مجنون صفت صحرايه اوز قویدوم
 کسيلمیش صبر و تاپیم وصلت لیلی دان آیریلدیم
 منه شمشاد سروی باغبان عرض ائتمه کیم هرگز
 یوخومدور میل گلشن قامت طوبادن آیریلدیم
 نولور شام و سحر نی تک سیزیلدار سینهی زاریم
 مریض بستر هجرم ، دم عیسی دن آیریلدیم
 فراقین شدتیندن لال اولور بو طوطی طبعیم
 مزاقیم تلخدور کیم لعل شکر خادان آیریلدیم

شبى بخواب که عکس جمال روی تو دیدم
 ز کاینات تعلق بهر که بود بریدم
 قسم بروی تو کردم که جز تو یار نجویم
 بحوریان بهشتی اگر دهند نویدم
 هنوز از می وصلت پیاله ای نکشیده
 ز دست ساقی هجران چه زرها که چشیدم
 امید زندگی ام بود آب تیغ تو خوردم
 هوای وصل توام بود قرقت تو گزیدم

رقیب از منش آزردہ است و من ز رقیبش
 دریغ کو بمرادش رسید و من نرسیدم
 بجرم آنکہ مرا دل بغیر دوست نبستم
 کشند بی گنہی را ندیدم و نشیدم
 حقوق عشق نگر پای مردیش زانکو
 ز جور هر چه مرا سر شکست پا نکشیدم
 بسی ز وصف لب تگفته اند لیک کسی را

روزگاری پیش یاری اعتباری داشتم
 اعتباری داشتم خوش روزگاری داشتم

دیدن ترا و دل بتو دادن گناہ من

دل را بحرف غیر شکستن گناہ کیست

بوشاعرین باجیسی آغا بیگم فتحعلی شاهین خانمی اولوب، طبع شعری واریمیش.
میرزا علی لعلی: ۱۲۵۲ قمری ده ایروان داآنادان اولموش و ۲۰ یاشیندا
 آتاسیلہ تبریزہ ہجرت اتمیش و تبریزہ تجارت لہ مشغول اولموشدی. لعلی تجارت ایشی
 ایلہ برابر تحصیلینہ ادامہ و ثریب، آتاسی ٹولدو کدن صونرا تجارتی بوراخدی و تمام وقتینی
 طب تحصیلینہ و صونرا د اطبا بتہ حصر ائتدی. صونرا استانبولا گندیب اوردا طب
 فاکولتہ سینی بیتیردی و دکترا عنوانی نی آلیب تبریزہ قایتیدی و تبریزہ ولیعهد (مظفر
 الدین میرزا) این طبیب مخصوصی اولدی.

لعلی بیرمدت دن صونرا طهرانا گتدی و اورادانا ناصرالدین شاہا یاخینلا شیب اونونلا
 برابر اروپایا مسافرت ائتدی، اروپا سفری نین محصولی اولاراق مفصل بیرمثنوی یازمیش،
 بومثنوی نین مطلعی بو بیت دیر: ناصرالدین شاه گردون بارگاہ شاه دارا تخت کیخسر و کلاہ
 بوندان صونرا لعلی بیر نتیجہ دفعہ د اہا اروپا، استانبول و مصرہ گتمیش و مظفرالدین شاه
 زمانیندا شمس الحکماء عنوانینی آلمیشدیر.

لعلی صون دفعہ استانبولا گتدندہ بیرمدت اوردا قالمیش ایرانین استانبول بوؤک
 ائلچی سی پرنس ارفع ایلہ محشور و مانوس ایمیش، مزمن برن شیتہ مبتلا الدوغو ایچون
 استانبولون هواسی اونسا یاراما ییب، دکتر لاریسن تجویزیلہ قفلیسہ گتمیش و
 اورادایرلشمیشدیر.

تفلیس ده اقامتی ائناسیندہ بیر دفعہ ۱۳۲۲ قمری ده (قفقاز ارمنی مسلمان دعواسی
 باشلا یاندا) بیر دفعہ ده ۱۳۲۳ ده تبریزہ گلیمیش و مشروطہ جریانینا فکری یاردیم (کمک)

اتمیشدیر. ۱۳۲۵ده تفلیسده وفات و اورادافن ائدیلمیشدیر.

لعلی لطیف طبع لی، بذله گو و حاضر جواب بیر ادیب ایدی. اونون ایشلتدیغی بدیع مضمونلار و مؤزلر معاصرلری آراسیندا معروفیدی. سئچدیگی سجع مهر «وانه لعلی حکیم» اونون ادبی ذوق و ذکاسینا گؤزل بیر نشانه دیر. بوباره ده ئوزو بئله سؤیله میشدیر.

تو این پیام متین را ز قول من یرسان

صبا بگو بحسودان که سست پیمانند

بطبع شعر مرا خود نه افتخار بود

که جمله صاحب طبع سلیم میدانند

مرا بقول خداوند در کلام مجید

(و انه لعلی حکیم) می خوانند

تورکجه-فارسجا دیوانی بیرنئچه دفعه تبریزده چاپ اولموش.

لعلی نین کلیات ایکی جلد دیر: بیرینجی جلدین ۱۸۵ صفحه سی فارسجا و ۳۰ صفحه سی

تورکجه دیر ایکنجی جلدی هامپسی تورکجه دیر و مرثیه و نوحه لردن عبارت دیر

فارسجا قسمی، بیرقصیده بهاریه ایله باشلار و شعر انواعیندان مثنویات، قطعات، غزلیات، رباعیات و مفردات (تک بیت لر) ایله بیتر. شعرلری نین مهم قسمی لطیفه وهزل، هجو و بعضاً مدح طرزینده سؤیله نیشدیر. آیریجا قطعه لردن تشکیل تاپمیش مطایبات و هزلیات قسمی وارد دیر. افیونا عائد گؤزل قطعه لری وارد دیر نمونه ایچون حاقظین مشهور بیرغزلینه نظیره تمسخرانه شکلینده سؤیله دیگی بیر قطعه یی نقل ائدیریک:

بیا تا دوده افیون ز گردون برتر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرح دیگر اندازیم

بیار ای ساقی گلچهره افیون را بیزم ما

به پیماننه زخم سنگی لگد بر ساغر اندازیم

چو روزه لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و خلوت بهم سازیم و بنیادش بر اندازیم

ز کنج روزه خسواران احتیاطاً روزنی باید

که گر شخصی کمین آرد نظر بر منظر اندازیم

فارسجا غزللریندن نمونه اولاراق ایکی پارچا نقل ائدیریک:

از کعبه جمال تو آن طره دو تا

بر گشته همچو کافر برگشته از خدا

ای بخت ما چو طره برگشته‌ات سیه
وی تیره‌تر ز طره تو روزگار ما
سرگشته‌ایم تا سر زلف تو سرکش است
سودای ما کجا سر آسودگی کجا
دیوانه‌وار از همه الفت بریده‌ایم
تا گشته‌ایم بطره زنجیرت آشنا
ای شهسوار قافله آهسته‌ران که من
افتاده‌ام چو زلف پریشانت از قفا
لعلی مرا ز شوق لب چون عقیق او
بیکر چو کاه گشته و رخ همچو کهربا

ز من پنهان چرا دارد لب‌ت اسرار عیسی را
مسیحی‌زاده منم دوست میدارم مسیحا را
خم ابروی تو با این دل سوزان اگر سازد
زوجه نذر قندیلی برم طاق کلیسا را
ز تحریک صبا هر صبح آنزلف صلیب‌آسا
بفریاد آورد در سینه ناقوس دل ما را
توساعت سازی و من بی تو یکساعت نمی‌سازم
که در هجر تو هر یک ثانیه سالی بود ما را
دو ابروی تو در مابین دارد نقطه خالی
که این یک نقطه برهم زد اساس دین و دنیا را
بجز دین تو در دنیا ندارم مذهب دیگر
که از بهرت خداوند آفرید این دین و دنیا را
دل و دین باختن در عشق او نبود عجب لعلی
که صنعان با همه زهدش گرفت آئین ترسا را
رباعیاتیندان‌دا بیر نمونه نقل ائدیریک:
گفتم چشمم گفت که حیران منست
گفتم جانم گفت که قربان منست
گفتم که دلم گفت که آن بیچاره
در سلسله زلف پریشان منست

تورکجه شعرلری ده متنوع دیر، غزلیاتیندان سوای مقطعات، رباعی و تک بیتلری واردیر. اوزمان باکودا چیقان مترقی و ملیتچی شرق روس روزنامهسی مدحینده بیر غزلی واردیر:

حیرتده قویدی عالم اسلامی شرق روس
یوزدن نقابی آچدی بو تورکی زبان عروس

آفاقی دوتدی شعشعسی بو جریده نین
یارب بو شرق روس دو یا مطلع شمس

گفتاری صدق نیتی خالص لسانی پاک
نه اخذ نه طمع نه مزور نه چاپلوس

یول گؤستریر آزانلارا چؤلرده چون جرس
بیدار ائلیر یاتانلاری ائولرده چون خروس

تا ایله سون بو ملت اسلامی متفق
هریانه یازدی نامه تبلیغ علی الرؤس

کنلی (کندلی) حقینده بیر هجوی بیرده مدحی واردیر، هجوی داها مشهور دور:
نه شیرین سن سنه قربان اولوم ای لب شکر کندی

سنی هر کیمسه گؤرسه دین و دونیادان گنچر کندی
بؤیوک خبط اتمیشم کندیلرون هجوینده الحق من

منیم بختیم یانیب بو باره ده ای بختور کندی
چیخا گر بیر سنین تک شوخ شهر آشوب هر کندن

یری وار افتخار ائتسه تمام شهره هر کندی
بونه هنگامه دیر گؤر دولدوروب اوصافی تبریزی

سالوب حسنیه مین آشوب شهره بیر نفر کندی
اگرچه منده یوخدور شاهیمیز ساغ اولسون ایراند!

من اوردان سیم و زر آلام سنه ای سیم بر کندی
اوشاهون سایه سینده بیرمی میلیون نفس راحت دیر!

اونا فرق ائیلهمز بیرشاعر ایلن بیر نفر کندی
جمالین گر ده سن دوشمز اله بیر ایله ائتیقه

فرنگی لر اونوی گؤیده قاپارای بیخیر کندی

نه قانسون می نه دیر معشوقه کیمدور دریدر. کندی
 معشوقه و می مادیانین نره کندی
 نه گر مادن یتەر اعضاصینه آفت نه سرمادن
 هوا هر قسم گرم و سرد اولا عریان گزر گندی
 قویون ساخلار همیشه بیر سوری عمروندهات دادماز
 ییهر بیر بسدیلق جز بیز گلنده شهره هر کندی
 یاتار یایدا داش اوستده گون قاباغیندا چکخورنا
 اگر مین قیل و قال اولسا اویانماز بیر نفر کندی
 ییهر سککیز فطیر عیران ایچهر بیر مترت اوستوندن
 پلودنیانی توتسا تندیر آشین چوق سوهر کندی
 دمیردن برك اولور سؤز یوخ معاذله نعوذوندن
 بنی آدم گتورمز طاقتین چوق بیس ... کندی
 فرنکستانه گتسه فی المثل قیرخ ایل یاتوب گلسه
 داواردان صحبت ائیلر ئوزگه سؤز بیلمهز دییه کندی
 یه میش تسمندن عالمدن سوغاندان باشقا زاد بیلمهز
 آخر چارشنبه اولسا بیر اووچ کشمیش ییهر کندی
 اوزی مکروه عالم دیر سؤزی بیر سم قاتل دیر
 یامان گؤز گورمه سین پاران نه کندی بیر بتر کندی

بوینوما کاکلون ای شوخ کمند ائیله می سن
 بیر اوزون فکره منیم باشیمی بند ائیله می سن
 سایه مرحمتین باشیما دوشمه ز نه نمر
 اوجالوب قددوی بیر سرو بلند ائیله می سن
 بیر نفس لعل لبون ذکری دیلیمدن دوشمز
 منی طوطی کیمی تریاکی قند ائیله می سن
 گؤیه ده چیخا مقابل دورا بیلمز قاشووا
 بیر هلالینه اونى نعل سمند ائیله می سن
 آفت چشم دن ای مغچه تشویش ائتمه
 گؤنلومو مجمر حسنوننده سپند ائیله می سن
 بو گؤز وقاشووه توربان اولوم ای مه پاره
 منی بو قاش و گؤزوندن گله مند ائیله می سن

ھامو حيران دولانور دايرة زلفونده
 ئىچە ديوانه بو زنجير ده بند ائيله مىسن
 ئوزووہ نذر دئوپسن منى قوربان ائدەسن
 منە زيبندە دى سن ھرنە يسند ائيله مىسن
 جملە عاشقلىرون آزاد گزر عالم دە
 بيرجە لعلنى گرفتار كمند ائيله مىسن
 توركجە تك بيت لریندن دە ايكي نمونە نقل ائديريك
 آچ نقاب اوزدن اوزون دورسون مقابل ماھلن
 يوخسايانديبرام نقاب عارضون بير آھلن

سالمابرق قوی گورولسون آفتاب عارضون

يوخسايبير آھيله يانديبرام نقاب عارضون

ايكنجى جلد توركجە مرثيه و نوحەلردن عبارتدير. لعلنىين مرثيه و نوحە ديلى
 صرافقدر ساده و مؤثر د گيلدير اونون ايچون نوحەلرى صرافين كى قدر خلق آراسيندا
 ياييلماميشدير. نمونەايچون بير سينەزن نوحەسينى نقل ائديريك:

آلدى الە تير و كمان حرملە

سالدى حریم حرمة و لولە

گوردی كه میداندا اوشوم و لعین

اصغری آغوشه آلوب شاه دین

تشنه دور از بسكه او طفل حزین

عالمه آھيله ووروب مشعلە

سوز عطش دن دیلى خاموش اولوب

حالتی افسرده و مغشوش اولوب

بوینی دوشوب چيینینه بيهوش اولوب

بئله نشانه دەدی دوشمز الە

آلدى اودم شستینه تیر و كمان

ائيله دی بيرياندا كمين ناگهان

حلق علی اصغری ائتدی نشان

چكدی اودم وجديله بير هلەله

.....

صويرينه حرملە پيكان وئريير

گورئىچە بىرحم دی بوحرملە

حيوان خانم: اون سگگيزينجى عصرين صونلاريندا و ۱۹-اينجى عصرين بيرينجى
 ياريسيندا ياشايب باباسى طرفيندن نخبوانلى و آناسى طرفيندن دنبلى طايقه سيتدن دير
 ئوزى تبريزليدير و تبريز ايله خوى دا ياشاميشدير.

توركجە و فارسجا ۴۵۰۰ بيتدن عبارت ديوان يازميش لکن ئولوموندن صورنا

اثری یایلمادینی ایچون اونو دولموشدی. خوشبختانه دیوانی نین بیر نسخه سی مرحوم حاجی محمدنخجوانی نین الینه چاتمیش و بو نسخه اساسینا مرحوم **محمدعلی تریبیت** (دانشمندان آذربایجان) کتابیندا حیران خانیمین شرح حالینی یازمیش دیر. گینه بو نسخه یه دایاناراق دیوانی ۱۳۲۴ شمسی ده تبریزده چاپ اولموشدور. حیران خانیمین شخصیتی و حیاتی حقیقته اثر لریندن غیر ی هئچ بیر سند یوقدور. لکن شعر لرینی دقتله مطالعه ائدینجه اونون باره سینده معلومات الده اتمک ممکن دیر. مثلا فارسجا بیر غزلینده بئله ده بیر:

پرسی اگر ز نسبت حیران دلفکار

از خادمان شیر خدا شاه دین علی است

باشد و را حسب ز عزیزان نخجوان

اورا ولی نسب ز کریمان دنبلی است

حیران خانم عباس میرزا دؤرینده یاشامیش و ناصرالدین شاهین دا اول ایملرینی گؤرموشدور. فارسجا یازدیغی بیر شعرده عباس میرزانین خسانیمندان دیوانی ایچون حاشیه لی و الوان کاغذ ایسته ییر. (مرحوم نخجوانی نسخه سی نین کاغازی حاشیه لی و الوان کاغذ دیر.) ۱۸۲۷ = ۱۲۴۴ ده باش وئره ن و با مرضی اپیدمی سی ایچون بئله یازمیش:

ای خدا شیعیان هلاک شدند

مادران دلشکسته و نالان

نوجوانان بزیر خاک شدند

مردمه شووند بهر فرزندان

.

یران خانیمین شعر لریندن بئله آنلاشیلیر کی، جوانلیقدا وطندن و چوق سؤدیگی بیر آدمیندان آیری دوشموشدور. آشاغیداکی غزلده بو مسئله آیدینجا اورتایا چیخیر:

چاره یوق دردیمه اول لعل دوتان غیر ی

کیمسه دوتماز الیمی زلف رسادن غیر ی

یوخدی بیر یار، ائده حالیمی دلداریمه عرض

سرکویینده مگر باد صبحادن غیر ی

بختیمیز ششدر حیرتده ایدی چونکه بیزه

گؤرمه دی یار روا جور و جفادن غیر ی

گرچه دلدار منه ائیله دی چوق ظلم و ستم

من اونا ائیله مه رم مهرو وفادن غیر ی

ایسته ریک دلبریمین خدمتینه عزم قیلاق

تحفه یوق دا حسی بیر خیر دعادن غیر ی

اولمادی بونجا گرفتار غم و درد و الم

سرکویینده من بخت قرادن غیر ی

دشمنین طعنه‌سی، هجران اودی، غربت‌المی

یوخدی غمخوار بیزه کیمسه خدادن غیری

لر قضا سالدی سنی یاردن آیری حیران

داهاتقدیره نه‌دیر چاره رضادن غیری (۱)

حیران خانم دائماً وصال حسرتینده اولدوغونی دفعه‌لرله شعرلرینده بیان آندیر.

لکن هجران اودینا یانان شاعره امید سیزلیگه دوشمور و دنیادان الینی اوزمیر.

حیران خانم ربابی شاعرلردندیر، تورکجه و فارسجا غزللریندن سوای، ترجیع‌بند،

مخمس، ملمعلری و فارسجا مثنویلری واردیر. بورادا نمونه‌ایچون بیر نئچه تورکجه و

فارسجا غزل و مخمس و ملمع و مثنویلریندن بیرپارچا نقل‌انده جگیک:

کؤنلوم قوشی اول زلف پیریشان آراسیندا

بیچاره قالیب جنت ویران آراسیندا

گؤرکیم نئجه سرگشته قالیب واله و تنها

اول خال خطایله بدخشان آراسیندا

طغیان ایلیوب درد غمیم بودل زاریم

بیر کشتیه بنزر قالا طوفان آراسیندا

دل زلف ایله رخساریوه چون قیلدی تماشا

آواره قالیب کفر ایله ایمان آراسیندا

آی گؤر نه‌عجب معجزه دیرکیم نئجه بیتیمیش

بیر سنجل تر آتش سوزان آراسیندا

ای دل ائلهمه غم که اونون یوخدی تفاوت

کوینده چو درویش ایله سلطان آراسیندا

چون یار قیلیب لطفونی کمهانی او همدم

تا صلح قیلا یار ایله حیران آراسیندا

ای چرخ منیم آه شرر ناریمه رحم ائت

هجراننا یانان سینهی افکاریمه رحم ائت

صبحه کیمی انجیم سایارام فکر رخینده

هجران گهجه‌سی دیده‌ی بیداریمه رحم ائت

۱- بئله نظره گلیر کی، بو غزلی فضولی‌نین «یار قیلیمزه مننه جورو جفادن غیری»

غزلیته نظیره دئمیشدیر.

غربت المی، یار فراقی منی آلدی
غربتده قالان جان گرفتاریمه رحم ائت
تنها قالوبان، بیکس اولوب، یاردن آیری
بیکسلیغیما ، حسرت بسیاریمه رحم ائت
اشگیله ائدیپ هر طرفه سیل روانه
چون ابر صفت چشم گهر باریمه رحم ائت
هجران رخ یار منی سالدی آیاقدان
یه تیر منی اول مونس غمخواریمه رحم ائت
یوز زحمت ایله خاموش اولوب بودل ویران
حیران ! فغان ائتمه ! دل زاریمه رحم ائت

عشقی ای شوخ سنین بودل پرغمده میدیر
بیلیمرم منزلینی جاندامی یاتنده میدیر
ایتیریپ مرغ دلی تاپمیرام ای مایه‌ی ناز
جستجو ائیله گؤر اول سنبل پرخمده میدیر
قامتین بوکدی بئلم عارضین ئولدوردی منی
سرو وگل ، اوقد و او عارضه ماننده میدیر
دئدی وئر جانئوی آل خاک دریم ذره‌سینی
جان ناقابلیمیز بو بیعه ارزنده میدیر
بلبلون ، قمری لیرین شوری دوشوب آفاقه
گل رخوم ، سروقدیم بو گنجه گاشنده میدیر
وصلوه شاد ولی فرقتووه ناشادم
بیلیمرم سن سیز ایشیم ناله میدیر، خنده میدیر
عقلیمی باشدان آلیب خلق آرا رسوا ئله‌دین
بو گنه دلیر من سنده میدیر ، منده میدیر
عاشیقی ئولدره‌سن، وصلیله شاد اتمیه سن
سندن ای شوخ بئله ظلم خوش آینده میدیر
ایستیری صدقیله قوربان اول اول شاها بوگون
گؤر فدا اولماغا حیران یرازنده میدیر

ای ستمگر منی رسوای جهان ائیله‌میسن
گؤزومون یاشینی چون دجله روان ائیله‌میسن

ھەنشىن ئايىلەمىسەن دىشمىنى ئاي مەيەى ناز
 رشگەن جانىم آلىب باغرىمى قان ئايىلەمىسەن
 گون كىمى عارضىوہ زلف چلپيانى سالىب
 گونى گۇر ابرسىہ آلتدا نھان ئايىلە مىسەن
 ناز ایلە عشوہ ایلە سیر ائلیوب گلزارى
 گۇستریب معجزہ سن سروروان ئايىلە مىسەن
 بىر جانىم واریدی ئى شوخ كە آلدین اوزمان
 ئوزگە جان داخى بویكسدە گمان ئايىلەمىسەن
 قاشلارین تیغ ستم ، آلمیش المكىیرىگون اوخ
 ئولدوروسن منى ناحق یرەقان ئايىلەمىسەن
 نیچون ئى شوخ تقاين گۇتوروسن اوزدن
 روى خورشید وشى خلقە عیان ئايىلە مىسەن
 آلميسان عقلمى باشدان منیم ئى آفت جان
 قدىمى محنت ھجریندە كمان ئايىلە مىسەن
 حسرت وصلویلە ئى ماہ من حیرانسى
 باشى یردە ، گۇزى بولدانگران ئايىلەمىسەن
 آشاغیدا ترجیع بنددن بىر پارچا نقل ائدیلىر:
 صبح آچوب ماہ رخندن نقاب
 ائتدی طلوع كوكبەى آفتاب
 ھریاننا نظارە قىلىب گۇرمەدیم
 اول مھى ، چون كۇنلوم ائدیب اضطراب
 ھجرغمى جانیمى ائتدی فكار
 فرقت اودى جانیمى ائتدی كباب
 گۇر دوم اودم گون اوزونى ئايىلە دى
 خلقە نھان لكەى مشكىن سحاب
 چىخدى با شىمدان اوزمان عقل و ھوش
 گئتى اورە كدن اوزمان صبر و تاب
 آہ و فغانلار چكوبن ئايىلە دیم
 عجز ایلە خورشیدە بونوع خطاب:
 ایتدی (۱) كە ئى عاشىق شوریدە حال
 صبر ایلە فریادە یتەر ذوالجلال

ایمدی ده مخمس دن بیر بند:
 سحر سیر چمن قیلدیم گلی مینایه بنزدیم
 فضایی بوستانی بیلمه دیم صحرايه بنزدیم
 جمالین گورجک اول یاری ملک سیمایه بنزدیم
 نظر قیلدیم قاشین طاقین چلیکمیش آیه بنزدیم
 خمار لانیش کوزینی نرگس شهلايه بنزدیم
 فارسجاغزل لریندن ایکی نمونه نقل ائدیریک:
 حال ما را که کند عرض بجاناندهی ما
 شود آگاه ز حال دل دیواندهی ما
 جرعه نوشیم ز خمخاندهی وصل رخ او
 سر بر افلاک کشد نالهی مستانهی ما
 هرگز از بزم وصالش دل ما شاد نشد
 گوئی از باده غم پر شده پیمانهی ما
 گاه بر سینه زنان گاه بسر خاک کنان
 شده از روز ازل پنجهی غم شانه ما
 حال عالم به غم و محنت ما می سوزد
 رحم بر ما نکند آن بت فرزانهی ما
 شده مشهور جهان حال دل اما چکنم
 ندهد دلبر ما گوش بر افسانهی ما
 مهر تو ذره منم چون شود از راه کرم
 گر بیائی مه من لحظه بر خانهی ما
 این شرف گر به من زار میسر گردد
 بر نه افلاک رسد پایهی کاشانهی ما
 لال شد از ستمش بلبل طبع حیران
 سوخت در آتش شوقش پر پروانه ما

لبت را مایهی جان آفریدند
 به درد عشق درمان آفریدند
 نصیب جان من کردند گویا
 در آن ساعت که هجران آفریدند
 ز عشقت چشم من کردند گریان
 لب لعل تو خندان آفریدند

همه خپل بتان همچون ستاره
 تو را چون ماه تابان آفریدند
 ز نور روی تو ذره گرفته
 از آن خورشید رخشان آفریدند
 گدای حسن تو کردند ما را
 تو را سرخیل خوبان آفریدند
 صون اولراق مثنویریندن بیرپارچا نقل ائدیریک:

باز از تأثیر عشق پر فنون	بر سر افتاده مرا شور جنون
باز از تأثیر عشق حيله ساز	بر دل افتاده مرا سوز و گداز
باز از تأثیر عشق خانه سوز	کرده از دل آتش هجران بروز
باز از تأثیر عشق پر فتن	در دلم شوری عجب کرده وطن
بار دیگر یار بر یاد آمده	از دلم صد آه و فریاد آمده
بار دیگر عشق گشته رهبرم	سوخته از شعله‌ی او پیکرم
بار دیگر دلبرم آمد بیاد	آتشی بر شهر بسند دل فتاد
دوستان بر حال زارم بنگرید	بر دل بی اختیارم بنگرید
هجر دلبر جسم و جانم را بسوخت	آه گرم آشیانم را بسوخت
.
سوخت مغز استخوانم یا ودود	وصل جانان را نصیبم ساززود
ساز ما را از وصالش شاد کام	ختم شد اینجا حکایت والسلام،

باقر خلخالی - میرزا باقر خلخالی خلخال‌دا آنادان اولوب و علوم دینی تحصیل ائتدیکدن صونرا مجتهد اولوب، خلخال‌دا تدریس و قضاوتله مشغول اولموشدیر بو حکیم شاعر ناصرالدین شاه زمانیندا یاشامیش و مظفرالدین شاهین زمانیندا ۷۰ یاشیندا وفات اتمیشدیر. باقر خلخالی نین ان مهم اثری تعلیمیه کتابی دیر. تعلیمیه شعر ایله یازیلیمیش بیر تولکونون داستانی دیر. تولکونون ناشیندان گچن حادثه‌لری آنلا تیرکن حکمت آمیز سؤزلر و خلقی او یان دیرماق و آیدینلا تماق ایچون جالب و مفید حکایت‌لری ساده بیر دیلله بیان ائدیر.

تعلیمیه دن سوی بو شاعر دن مرثیه لر و تورکجه و فارسجا غزل لر و معالار، رباعی لر تک بیت لر و مثنوی لر قالمیشدیر. دیوانی آقای توکلی خلخالی طرفیندن ۱۳۱۹ دا تهریزده چاپ اولموشدور. بورادا مختلف شعر لریندن بیر نجه نمونه نقل ائدیریک:

ای غایب از نظر ز کاهات جستجو کنم
 در جستجوی تو بچه اقلیم رو کنم
 از تیر عمزوات دل من گشته چاک چاک
 تازی ز زلف خویش بده تارفو کنم
 گر زلف خویش تاب دهی همچو صولجان (۱)
 من هم بخاکپای تو سر همچو گو کنم
 از هر گلی رسد بدماغم شمیم دوست
 در حیرتم کدام گل باغ بو کنم
 دل از برم رمیده شد از عشق کاکلت
 اذنی بده تفحص او مو بمو کنم
 آب سبو اگر چه بسرچشمه منتهی است
 هیهات اگر علاج عطش از سبو کنم
 از قیل و قال مدرسه کامم روا نشد
 باید که صرف خاطر از این گفتگو کنیم
 ساقی بیار باده از آن جاودانه می
 تا عاشقانه سر کشم و های و هو کنم
 وقتی نماز من به حقیقت شود قبول
 کز اشگ چشم و خون دل خود وضو کنم
 نبود میسرم بجنابت هوای یسار
 تا خویش را بمیکدهها شست و شو کنم
 جز سیئات نیست ز طاعات ما ثمر
 روی امید خویش به لاتقنطو کنم (۲)
 باقر بخیز و دامن خود بر کمر بزن
 شاید بعزم درگه دلدار پو کنم

در مصر وجود خود عزیز می نشدیم
 در علم و عمل اهل تمیزی نشدیم
 افسوس که این عمر گرانمایه‌ی ما
 بیهوده تمام گشت و چیزی نشدیم

۱- چوگان ۲- ناامید نشوید

افتاده بیا زلف سمن سای تو از چیست
دیوانه منم سلسله در پای تو از چیست

نمی‌توان که ره اشگ را به مژگان بست
بخار و خس نتوان بست راه جیحون را
تورکجه شعرلریندن نمونه‌لر:
گینه فراقون الیندن یتیشمیشم جانه
دؤنوبدور آیریلیغیندان گؤزوم یاشی‌قانه
حذرقیل ای گؤزومون نوری اشگ دیده‌مدن
یقین ایله که چکهر آخرینده طوفانیه
قرار و صبرییمی کسدین قراریمی آلدین
متاع عمروم آپاردین یامانجا تالانیه
یولوندا چکمیشم ال جمله‌گی علائقدن
بو باش و جان سنه قربانیدی مردانه
دؤنر تزلزله زلفون کیمی اورمک تیتیره
ویراندا زلفووه مشاطه نازایله شانیه
فراقون آتشینیه یانماسام خلاص اولمام
نتیجه قرار توتار یانماینجه پروانه
کمند زلفون اگر اولماسایدی مچنون تک
یقین که قویموش ای‌دیم ایندی باش بیابانه
آغیر لانیب‌اوره گیم چوخلارا گمان ائدیرم
گرك که آندوئرم طره‌ی پریشانه
دوشوبدی سینه وه ز نارتک او‌طره لرون
کنارائله که بو جایز دگیل مسلمانیه
کمند زلفولیه‌ال اییاقیمی باغلا
چکله سلسله‌یه هرکیم اولسا دیوانه
گؤرنده گل یوزووی عیب دو‌تما بو‌باقر
چکه فغان ایله‌گر شور عن‌دلیبانه

مست خم‌خانه‌ی الست اولدوم

ساقیا وئرمه جام مست اولدوم

يار آپاردى منسى عزيزائتدى
ايندى من معنى يداللهم
دوژنوزومدن گوزوموب كچدیم
رشنه ی زلفون ائتدی دامنه
منی سیندیردی ائتدی تازه درست
یتمه دبسم حقه اولمادیم کامل

باقر خلخالی دن تور کجه بیر مثنوی:

گینه جانیمه اوددوشوب تازه دن
باسوب گونلومی غصه طغیان ائدیر
دوشوب قلبیمه فرط غمدن شرر
اولان وقتى سوز و گدازیم عیان
سالیب چونکه گوزدن نگاریم منی
اگر صبر قلیسام اورهك نیم جان
اگر آغلیبام راز پنهان گندهر
بلی راه عشقین قراری بودور
شراب بلا عاشقین نو شدور
کلیب باقرا مطلبی ختم قیل
که اولماز بومطلب اولونجه تمام

صون اولراق نعلیه دن ده بیر شعر نمونه سی نقل ائدیریک:

بلی جان عزیزیم اولمامدهوش
شمیغیشماز بیر مقاله ظلمت ونور
اورهك بیر یار بیر دیر اولا گمراه
بوشوهر کش عجزوزین گورایشینی
سالیب ناز فرقه یان دیرو بدور
اجل چنگبندن اولماز کیمسه آزاد
اوزون فکر ایله اوضاع لحددن
دئمه مندن صوراهل و عیالیم
سنی یاددان چیخاردار قوم وقار داش
چراغون، همت ائت گوندر قاباقدان

گرچه اغیار ایچینده بست اولدوم
چون یداللهه زیر دست اولدوم
نیستلیق عالمنده هست اولدوم
مندن ال چک که پای بست اولدوم
بئله بیلمه که من شکست اولدوم
تا حقیقتده بت پرست اولدوم

گچوبیدیر غمیم حدواندازه دن
دیبه رسن که کافر مسلمان ائدیر
سوروشسان وئریردود آهیم خبر
دوشوب چرخه اوینار سرشگ روان
ائدیپ ترک بالمره یاریم منی
دیبه رتنگه سالما منی چک فغان
الیمن حقیقتده جانان گندهر
ولاهلینین کارو باری بودور
اگر قالیما اوددا مغشو شدور
سکوتی بو هنگامده حتم قیل
سکوت اختیار ائتگیلن والسلام

اولوم هنگامه سین اتمه فراموش
قوجا قلاشمازلارهر گزدیو ایله حور
که بیر تخت اوسته اگلشمز ایکی شاه
سنون تکمین نظر عاشق کیشینی
اوزین چکمیش کناره یان دور و بدور
نه یالور امان بیلیرنه دادو بیداد
سنه امداد اولماز بیر احددن
منه احسان ائدر خوشدور خیالیم
نه اوغلون یاد ائدر نه یار و یولداش
ایشین گچمه ز الیداک کی چراغدان

اسوار تبریزی - محمد کاظم اسرار علی شاه لقبلی واسرار تخلصلی ۱۲۶۵ قمری ده
تبریز ده آنادان اولمور شدور نعمت اللهی درویشلریندن دیر. اوز شعر دیوانیندان سوی

بہجت الشعرا و حدیقۃ الشعرا آدیندا ایکی کتاب یازمیش دیر. بہجت الشعرا ۱۹۱۹- اینجی عصر جنوب آذربایجان شاعر لرینہ عائد دیر. دهاچوق مزاح و طنز یازان شاعر لردن بحث اتمیشدیر، حدیقۃ الشعرا بہجت الشعرا دان سچیلیمیش بیر منتخبات دیر ۱۲۹۸ ده یاز یلمیش لکن ہیچ بیر چاپ اولامیشدیر. بہجت الشعرائین بیرال یازماسی آقاسی جعفر سلطان القرائی نین خصوصی کتابخانا سیندا موجود دیر. حدیقۃ الشعرا دا تبریز ده مرحوم نخجوانی نین کتابخانا سیندا دیر. بہجت الشعرا دا ۸۶ شاعر دن بحث ائدیلیمیشدیر .

شکوهی مراغه‌ای

میرزا مهدی شکوهی مراغه‌ای بو عصرین بسویوک ادبی سیمالارینداندایر . شعر لرینده خلقین اجتماعی حیاتدا و معیشت ده کی مسئله لریندن بحث اتمیش ، جهالتی و گتیریلیگی (عقب ماندگی) تنقید اتمیشدیر. بو شاعر حقیقته ایلک تحقیقی اثری باکی دا دکتور محمد تقی زهتابی یازمیشدیر .

شکوهی عینی حالده ساتیریک یازان شاعر لردندیر گوزل لطیفه لرله بدیع مضمونلاری افاده اتمیشدیر . شکوهی ۱۲۶۳ ده تبریز ده آنادان دوغولموش و ۱۳۱۴ ده مراغه ده وفات اتمیشدیر. تبریز ده آیناسازلیقلا مشغول کن مراغه ده قماش ساتماقلا امرار معاش اتمیشدیر.

منابع و مراجع

- ۱- آذری ادبیاتی نین تکاملی (۱۸ و ۱۹ اینجی عصر لر). اسلام آنسیکلوپدییسی جلد ۲. پرفسور فواد کوپرولو؛ استانبول.
- ۲- آذربایجان ادبیاتی، احمد جعفر اوغلو. تورک دیناسی ال کتابی ۱۹۷۷- آنکارا.
- ۳- ادبیات دان ایش کتابی. ح. زینالی. عبداله شائق. آ. موسی خانلی. ح. افندیزاده. باکی. آذر نشو ۱۹۲۸
- ۴- دانشمندان آذربایجان. م. ع. تربیت.
- ۵- آذربایجان ادبیاتی. فرویدن بیک کوچرلی . بیرینجی جلد. علم نشریاتی ۱۹۷۸. باکو.
- ۶- سید ابوالقاسم نباتی. اثر لری. آذربایجان س س ر علم لر آکادمیاسی نشریاتی ۱۹۶۸ باکو. ابوالفضل حسینی.
- ۷- دیوان سید ابوالقاسم نباتی مشهور بمجنون شاه یا خان چوبان قراجه داغی. کتاب فروشی ادبیه ناصر خسرو تهران.
- ۸- ریاض العاشقین (شعرا ی قره باغ) ۱۳۲۵ قمری چاپ استانبول.
- ۹- کلیات دیوان میرزا علیخان لعلی (شمس الحکما). تبریز چاپخانه علمیہ ۱۳۲۳ شمس.

- ۱۰- حیران خانم. سیچیلیمیش اثر لرلی. سوویت اتفاقیله مدنی رابطه ساخلایان
ایران جمعیتین نشریاتی. تبریز شعبه سی - ۱۳۲۴ شمس
- ۱۱- دیوان ادبیات مرحوم آقا میرزا محمد باقر خلخاللی کتابفروشی علمیه ۱۳۱۹
- ۱۲- ثعلبیه. کتابفروشی و چاپخانه عبدالرحیم علمی.

بازان: تبریز. یحیی شیدا

آذربایجان شاعرلریندن

اینجه جناس لار

آذربایجان ادبیاتیندا «جناس» صنعتی مهم یئر توتور. بوصف شعرلرده گؤرکملی شاعرلریمیز پارلاق اثرلر یارادیب، و بوچتین و فکر آپاران میدانا قدم قویوب و بو عرصهده رقابت سمندی چاپیردیبلارکی، هر شاعرین عهده سیندن گلمز. اگر بو بارهده آذربایجانین هامی شاعرلریندن شاهد گتیرهک بوللی فرصت لازیم دیر، آنجاق بو مقالهده اوچ شاعر (مراغالی شکوهی-عاشیق علسگر-ملاپناه واقف) دن جناس نمونه لرین گؤسترمگه کفایتلیریک بومیدن کی، افاده و ئرن و ئویره دن اولسون. بومقالهده او شاعرلرین قیسا یاشایشنا اول اشاره ائدیب و صونرا چتین اولان جناسلاریدا ایضاح ائده جیک .

ملاپناه واقف:

قزاقستان مهالیندا قیراخ صیلاحلی کندینده میلادین ۱۷۱۷ سینده آنادان اولدو، تورکی، فارسی و عربی دیللرین نوگره نیب مکتبدارلیقا باخدی اونا گؤره (ملا) لقبی آلدی. ملاپناه بیرالده شمشیر، بیرالده قلم «بزم و رزم» اهلی ایدی، دعاالاردا یاخشی شمشیر ووروب صفا مجلسلرینده احساسلی و اینجه شعرلر قوشوردی. اوتدبیرلی و ضیالی بیر شخصیت ایدی اوراجان کی، «هر اوخیان ملاپناه اولماز» مثلی اونون باره سینده صادق اولدی.

او ۱۷۵۹ میلادیده قاراباغین حکمداری ابراهیم خان سرایننا چاغریلیب و باش وزیرلیک مقامیندا ۲۸ ایل قوللوق ائدیب، آغا محمدخان قاجارینان قیزغین محاربه به

گيريشدى، آخىر ملاپناه ئوز اوغلى على آقا ايله اسير اولوب، ئولوم جزا سينا محكوم اولدولار.

آماھمان گنجھ آغامحمدخان ئوز ياسدئقئندا ئولدورولوب ، اونلارئندا جانئ خلائ اولدو.

۱۷۹۷ مئلاددئھ محمد بئگ جوانشئر (ابراهئم خانئن قارداشئ اوغلى) ملاپناه و اوغلى على آقانى شوشادائولدوردئ. بوجئناسئ واقفدن اوخئورسئز:

گؤزل بوبلو ، گؤزل خوبلو، گؤزل يار
نه گؤزلسن ، گئئب گؤزل آلى ۱ سن

گؤزل گؤزئن هر بئر قبئا باخاندئا
گؤزل جانئ ، گؤزل تندن آلى ۲ سن

گؤزل قامت ، گؤزل گردن ، گؤزل يوز۳
گؤزل اولماز ، سن تك اولسا گؤزل ، يوز۴

گؤزل جانئ ، مونجائئئئر گؤزل ، يوز۵
گؤزل ده بئر ، ائئمئ گؤزل ، آلى ۶ سن

گؤزل دوروب ، گؤزل گزئب، گؤزل باغ۷
گؤزل كلئم۸ سال بوئنوما ، گؤزل باغ۹

گؤزل سئر و گشت ائلئبئب ، گؤزل باغ۱۰
گؤزل دئر بو داقدان ، گؤزل آلى ۱۱ سن

گؤزل ساقئ ، گؤزل توتوب ، گؤزل كس۱۲
گؤزل دوغرا ، كباب باغريم ، گؤزل كس۱۳

گؤزل جانان ، گؤزل آدام ، گؤزل كس۱۴
بئر گؤزل كئمسئئنئن ، گؤزل آلى ۱۵ سن

گؤزل قاپئندا دئر ، گؤزل حئدرئسم۱۶
گؤزل سنو۱۷ دئمئشم ، گؤزل حئدرئسم۱۸

گۈزل واقف قولون ، گۈزل حیدریم^{۱۹}
گۈزل یتیش دادە ، گۈزل آلسی^{۲۰} س

عاشیق علسگر:

گۈرکملی عاشیقلا ریمزدان، کی، ایندیده سۆزلری صدقلی سازلاردا گزیر عاشیق علسگری
کۆستمک اولار. یوعاشیق ئوز قوشمالاری ن مخصوص بیر مکتبه مالکدیر.
۱۸۲۱میلادیدا (آغ کیلسه) ارمستائین باسار کئچر ولایتینده آنادان اولوب وطبیعتین
ایستی قوجاغی اونا معارف اوجاغی و بیلیک مکتبی اولموشدی. عاشیق علسگر زحمتکش
بیر عائلده بوی آتدی، چونکی اونون آتاسی «اودون یاران» محمد علی ایدی کی، زحمت ن
یاشایش سوروردی. عاشیق علسگر ۱۵ یاشیندان سازینان سازلیق سالدی، آز بیر فاصلهده
صنعتکار عاشیق لاردان صاییلدی و شهرتی هر یانا یاییلدی، و بویولونان یوخسول آتاسینا
یاردیم گۆستردی.

عاشیق علسگر قوشمالاریندا جانلی تابلولار ترسیم ائدی و شعرین چتین فورمالاریندا
افاده له نهرک ئوز قدرتین و هنری استعدادین نمایش ائتدیریب.
او، دوخسان بئش یاشیندا (۱۹۱۶ میلادیده) ئولدو و ئولمز اثرلر ئوزیندن یادگار
قویدو. بیر نمونه اونین گۈزل جناس قوشمالاریندان بوردا گتیریک:

غواص ۲۱ اولوب گیرسن عشقین بحرینه^{۲۲}

نارین سیلکین، نارین چالخان، نارین^{۲۳} اوز^{۲۴}

دوست سنی باغینا ، باغبان ائیلهسه

آلماسین دهر ، گولون ایگله، نارین^{۲۵} اوز^{۲۶}

عاشیق اولان سۆزین دئمز ترسینه^{۲۷}

کرگدن دنیا دا گئدر ترسینه^{۲۸}

ترسینه یسه ، فسمت اولسون بر، سیند

قوشا گلسمین نارینجیتان ، نارین^{۲۹} اوز

سالدیر یسان ایوان ، اوطاق ، اودا^{۳۰} ، سن

اوسئویدیگین ، اونو کورین ، اودا ، سن

یاندیریسان بوگولومسی ، اودا ۳۱ سن
انصاف ائله، گل گویلومین نارین اوز ۳۲

گل سینیق گویلومی ساری ۳۳ دور گئدهك
طرلانسان آولاتما ساری ۳۴ دور گئدهك
من وورغونام ۳۵ بیزه ساری ۳۶ دور گئدهك
بیر دردیمی ائله ییسن نارین ۳۷ اوز ۳۸

علسگر سۆزلرین دئییر «قیماغا» ۳۹
یووار غسال ۴۰، قدین سهرر قیماغا ۴۱
لذت وئرر بال قاتاندا قیماغا
اونلاردا ندا شیرین اولار نارین اوز ۴۲

مراغالی شکوهی:

آذربایجانین ساتیریک یازان شاعرلریندن و قدرتملی لطیفه و مضمون یارادان
شخصیتلریندن بیرسی ده «حاج مهدی شکوهی دیرکی ۱۲۶۳ ده تبریزده آنادان دوغولدو،
بو دیاردا آیناسازلیقتان روزگار کئچیرتدی ، او هله گنج چاغلاریندا ایدی کی، مراغاشهرینه
یول آچیب اوردا پارچاساتماقینان معاشین تأمین ائدیردی.

حاج مهدی شکوهی شعری ساده و دوزلویا زردی و معروف آذربایجان شاعری
« ابوالحسن راجی » ن مکتوبلاشماسی و دئیشمه سی وارکی، جالب دیر. او، قمری ایل
۱۳۱۴ ده مراغادا تولدو. ایندی بیر اولگواونین گؤزل جیناسیندان کی دقتی جلب ائدندی،
انتخاب اولنوب کی، او خورسین:

بو گولزازه گلدیم ، کی بیر گول گؤریم

سنون گولمگین خوشدو، بیر گول گؤریم!

بو مجلسده بیر ایچمه دیم باده ، من

کی وئر دیم عبث ، عمر و می باده من

بو یارقانه ، اول قازه گؤز لر منی

چکیب خنجر ناز ، گؤز لهر ، منی

قاپیندا بو درویش ، شهناز ائدهر
 مگر بئله درویشه ، شه ناز ائدهر ؟
 قول اولدوم ، کی بلکه یار ، آلا ، منی
 چک اول خنجرین ، گل یارالا منی
 دیئیردیم ، سالیسم بیر کمنده سنی
 هر آوچی بیر آو ، بلکه منده ، سنی
 قاپیندا اگر ، یوزگون ، آه ائتمیشم
 باغیشلا ! اگر یوز گوناھ ائتمیشم
 بوگون خیر دیرسنده ، شر ، منده دیر
 «شکوهی» الی بوشدو ، شرمنده دیر

۱- آل: قیرمیزی ۲- آلیرسان ۳- صورت ۴- یوز (عدد) ۵- قیرماق و کسمک
 ۶- آل: حیلہ ۷- باغ: بوستان ۸- کلب: ایت ۹- باغ: باغلاماق اییی (خالتا) ۱۰- باغ:
 بورادا (باغ) معناسینا دیر ۱۱- میوه (آلو) ۱۲- کس: بوردا (گز) یئرینده ایشه آپاریلیب
 ۱۳- بؤلْمک، قطع ائلمک ۱۴- آدام ۱۵- آل: ائولاد معناسینا ۱۶- حیدر: قاپو
 چاخچاخیسی کی، هلال شکلینده اولا ۱۷- سئو: شعر (سؤیله مک شعر دئمک) ۱۸- حیدر:
 بورادامعناسی آناشیلما دی، شایدشاعرین منظوری اولسون ۱۹- حیدر: حیدر کرار، حضرت
 علی علیه السلامین لقبی و اصلان معناسینا دیر ۲۰- آلی: همان علی دیر (اول نجی امام)
 ۲۱- اوزگونچو ۲۲- بحر: دریا ۲۳- تکرار اولان نارین بومصرعه (یاواش) معناسینا
 ۲۴- گلیب سودا اوزمک ۲۵- نار: انار (میوه) ۲۶- اوز: دهر ۲۷- عکسینه ۲۸-
 ترسینه: دالی-دالی ۲۹- نارین اوز: ظریف صورت و یا خود انار کیمی قیزارمیش اوز
 ۳۰- اودا: دام، کروانسارا (نتجه کی) کروانسارادارا «اودا باشی» دئیلیر ۳۱- اود: آتخ
 ۳۲- نارین اوز: اودین سؤندیر ۳۳- ساری: سریتماق، باغلاماق ۳۴- قوش ۳۵- وورغون:
 عاشق وورولموش ۳۶- ساری، طرف، دوغرو ۳۷- نارین: یاواش ۳۸- اوز: بوردا یوز
 (عدد) معناسینا گلیب ۳۹- قیماق: شاعرین سئویگوسی نین آدی دیر ۴۰- غسال: غسل
 وئره ن میرده شیر ۴۱- قیماغا: قتییم آغا (یعنی محکم کفنه) ۴۲- نارین اوز: سودین اوزی
 و نارینی کی تبریزده «خاما» دئیلیر.

باغچه بان شاعر

جبار باغچه بان نویسنده، روزنامه نگار، مخترع و روشنفکری که علیرغم خدمات فرهنگی و اجتماعی ارزنده اش چنانکه شاید و باید (بجامعه ایرانی) بویژه به نسل جوان شناسانده نشده است. از مقاله آقای صمد سرداری نیا (مجله وارلیق شماره ۶) دردآور است، واقعاً دردآور است مردی که یکی از ارکان اساسی فرهنگ کشور ما محسوب میشود جامعه اش او را چنانکه شاید و باید نشانسد.

آقای صمد سرداری نیا در مقاله مفصل و مشروح خود شادروان جبار باغچه بان را بعنوان نویسنده، روزنامه نگار، مخترع و روشنفکر مورد بررسی قرار داده ولی از باغچه بان شاعر یادی نکرده است (اگرچه شعری از او نقل نموده است) جای تشکر است که این تیترا را برای استفاده نگارنده باقی گذاشته است.

آشنائی من با شادروان باغچه بان از سال ۱۳۳۵ شروع شد قبل از آن باغچه بان رافقطبه اسم و آثارش می شناختم مخصوصاً بعنوان مردی که بدون تعلیم الفبا بکودک کلمه یاد میدهد. فکر میکردم مگر می شود آدم تا الفبا یاد نگرفته بتوان با خواندن و نوشتن کلمه را یاد داد؟

در بهار سال ۱۳۳۵ اداره آموزش و پرورش تهران بخشنامه ای صادر کرده بود مبنی بر اینکه کلاسی بمنظور تعلیم روش تدریس الفبای فارسی تحت نظر آقای باغچه بان دایر شده و بمعلمین کلاس اول توصیه شده بود که از کلاسهای مذکور استفاده نمایند. من با اینکه کارم تدریس در کلاس اول نبود بمحل کلاس باغچه بان رفتم و کنار معلمین دیگر نشستیم. هنوز کلاس شروع نشده و باغچه بان نیامده بود. فکر میکردم این باغچه بان چه جور آدمی است که کار خلاف اصل انجام میدهد؟ بدون تعلیم الفبا کلمه می آموزد. ممکن است امروز این فکر برای تحصیل کرده های جوان که آموزش را با روش باغچه بان شروع کرده اند عجیب بنظر برسد، ولی برای، همدوره های من که ابتدا الفبا را یاد گرفته و سپس حروف را با صدای فتحه و کسره و ضمه و الف و واو و یا ع می - آموختند و بعد از این مراحل تازه آموزش کلمه شروع میشد عمل باغچه بان عجیب و غریب می نمود.

بالاخره باغچه بان وارد شد: با موی سفید، گردن شق، قدمهای محکم با هیئت احترام آمیز همه با احترامش برخاستیم تشکر کرد، نشستیم. اول اسامی حاضرین را یادداشت کرد: نام و نام خانوادگی، آموزگار کلاس اول کدام مدرسه؟ نوبت که بمن رسید گفتم

من آموزگار کلاس اول نیستم ولی آمدمام به بینم چگونه شما بدون تعلیم الفبا بکودکان کلمه یاد می‌دهید. خندید و گفت خیلی‌ها این سؤال را دارند و همه اینها که اینجا نشسته‌اند اولین سؤال‌شان همین است منم اول همین را توضیح خواهم داد. البته غیر از من عدّه زیادی بودند که معلم و حتی فرهنگی نبودند و فقط برای استفاده از درس باغچه‌بان در کلاس حاضر میشدند.

بعد از آنکه اسامی را یادداشت کرد، شروع بصحبت نموده گفت: اینکه می‌پرسند چرا من قبل از الفبا خواندن و نوشتن کلمه را بکودک یاد میدهم دلیل علمی دارد: به بینیم ترتیب شناخت در طبیعت چگونه است. آیا در طبیعت اول اجزاء رامی-

شناسیم بعد کل را؟ یا ابتدا کل را می‌شناسیم بعد اجزاء آنرا؟ از کودک شروع کنیم اولین موجودی که کودک در عمر خود می‌شناسد مادرش است. شما فکر می‌کنید کودک اول چشم، ابرو، زلف، دست و پای مادرش را می‌شناسد و در مرحله آخر مامان برای او مجسم می‌شود؟ مسلماً این طور نیست بلکه کودک ابتدا يك چیز کلی از مادرش می‌شناسد بعدها بتدریج چشم و ابرو، زلف و اندام مادرش را تشخیص می‌دهد. و همچنین ما مثلاً در هندسه ابتدا مثلث را بطور کلی تعریف می‌کنیم بعد اجزاء آن از قبیل ضلع، زاویه، رأس، ارتفاع، قاعده و غیره را می‌شناسیم. از این مثال‌ها معلوم می‌شود که جهت شناخت و آموزش انسان از کل بطرف جزء است، ابتدا کل را می‌شناسیم سپس اجزاء آنرا و این اصل اول متد من است. بنابراین کسانی که قبلاً ۳۲ حرف را بکودک شناسانده و بعد نوشتن و خواندن را یاد می‌دهند برخلاف قانون طبیعی عمل میکنند.

بعدها اصول هفتگانه متد خود را تشریح نمود و من بی‌بردم که روش باغچه‌بان يك متد ساده‌ای نیست بلکه يك فن علمی و يك فلسفه است. خلاصه از آن تاریخ من مرید باغچه‌بان بودم، هر وقت پیش او می‌رفتم با صفا و صمیمیت و وارستگی که داشت تمام آندوه و نازاحتی‌های زندگی را فراموش می‌کردم خود را سبکبال و آزاد احساس می‌نمودم.

بعد از این مقدمه به بینیم باغچه‌بان شاعر از نظر هنر شعر چگونه بود؟ باغچه‌بان در شعر بیشتر به رباعی رو آورده بود که دیوان رباعیات او چاپ شده است و فلسفه خیام را می‌پسندید. در یکی از رباعی‌هایش چنین می‌گوید:

هرچند که بی‌نشان و گمنامم من بی‌باده و دلبری گل‌اندامم من
درفرصت امکان عملم گفته اوست خود یافته‌ام مرید خیامم من
باغچه بان معتقد بود که انسان قبل از هر چیز باید خود را بشناسد، وقتی انسان خود را شناخت تمام مشکلات او حل خواهد شد. در این باره می‌گوید:

گر خود نشناسد انسان ، انسان نبود
بشناخت هر آنکه خود بشردوست شداو
انسان اگر خود را بشناسد دنیا برای او بهشت خواهد بود:

دیروز چه خوش گذشت با ساقی و می
میخواند همی مطرب با ناله نی
میگفت گر انسان بشناسد خود را
انسان ملک است و این جهان جنت وی
ولی انسانی که خود را نشناخته باشد زبون و اسیر دیگران خواهد بود. و این مطلب را در رباعی زیبایی ادا می کند:

پرسیدم از آن ماهوش شیر سوار
بستی بسر شیر چگونه افسار؟
گفتا: بجهان هر آنکه خود را شناخت
آوردن او سهل بود زیر مهار
باغچه بان راستی و درستی را اولین و بالاترین وظیفه انسان میداند و آنرا چنین بیان میکند:

بلبل به گلش گفت که در عالم زیست
گل گفت یکی نیست زیاد است . اما
جز راست روی هرا دبی ، بی ادبیست .
باغچه بان حتی به حیوانات هم مهر میوزید و کسی را که بخاطر سلامتی خود یا فرزندش حیوانی را بی جان و قربانی میکند سخت می تازد:

شد بره بریده سر به نذر مادر
یک مادر داغ دیده آمد پر در
گفتا پسرت بسلا نپسند هرگز
نذر تو مرا داغ پسر زد به جگر
و همچنین:

گردید ز قتل بره اش میش آگه
گر خود بشناختی تو میدانستی
باغچه بان از نظر اجتماعی طرفدار صلح و دوستی انسانها بود و در این مورد رباعی های زیبایی ساخته است

بی جا نشدم عاشق و دیوانه صلح
لیلی نرسد پبای افسانه صلح
ماهی است بعاشقان مساوی مهرش
عشاق خوشند در حرمخانه صلح
و همچنین:

ای مهر بروی تابناک تو قسم
ای بی صلح ملل شاد نگرود دل من
این رباعی زیبا را هم در باره صلح سروده است:

لب از لب من مدار ساقی امروز
پرکن قدحی بافتخار نوروز
در پیش من این عید عزیز است از آنک
صلح است و مساوات میان شب و روز
بخاطر این آزادی و صلح دوستی بود که بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

بازداشت و در قلعه فلك الافلاك خرم آباد زندانی شد و این رباعی را در آن مورد ساخت است :

پاك است حسابم كه چنين بى باكم
برندند اگرچه فلك الافلاك
از كشته شدن چه باك، آمال دلم
مانندگلى سبز شود از خاكم
باغچه بان به آخوند نمايانی كه دين را در راه
تحدید عقاید و سانسور افكار و جلو گیری
از آزادی مردم بكار می بردند سخت می تازد و در جایی گوید:

ای بی خبر از خود و خدا و آئین
با خلق مکن جدال با حربۀ دین
دینی که بود مانع آزادی فکر
بی دینی و گمراهی است، کفر است نه دین
باغچه بان معتقد است که صرف نظر از حساب روز جزا بهتر است هر کس پیش از مرگ
از کار و اعمال خود بمردم حساب پس بدهد. در این باره گوید:

از محشرو از حساب و از نارجهیم
میگفت آخوند کسی بیک مرد حکیم
گفتا چه بود حکیم: اگر قبل از مرگ
بر خلق ز کار خود حسابی بدهیم
یکی از کارهای ارزنده شادروان باغچه بان ترجمۀ رباعیات خیام است بزبان ترکی
آذری بطوری که خودش در مقدمۀ کتاب نوشته ۳۱ سال برای ترجمۀ رباعیات خیام به
ترکی آذری زحمت کشیده و بدفعات در ترجمۀ آن تجدید نظر کرده است. یکی از شخصیتهای
سخن شناس آذربایجانی در مورد رباعیات ترجمه شده خیام توسط باغچه بان چنین نظر
میدهد: «من همینقدر میتوانم بگویم: مثل اینکه خیام رباعیات خود را برای آذربایجانیها
و بزبان آذری سروده است و بس.» برای نمونه چند رباعی از کتاب مذکور در اینجا نقل
می شود:

سر ازلی نه سن بیلرسن نه ده من
بویلمجگی نه سن اوخورسان نه ده من
بیرپرده نین آرخاسینداسؤیاشمه ده بیک
تا پرده دوشر نه سن قالیرسان نه ده من

*

یارب رخ مهر آورین اول ماهین سن
بویله بزه دین قوجاق دولی سنبل دن
هم حکم ائله یورسن که صورا باخما اونا
بو حکم ائل دور که اگر ی دوت تو کمه گیلن

*

می کاسه سین آلدیم دوداغا حرصیمدن
بیر چاره بو طول عمر ایچون سوردیم من
قویدی دوداغین دوداغیمه گزلی دئدی
می ایچ که بو دنیا به دها گلمز سن

*

بالیق دئدی ئوردگه اولورکان بریان
ممكن دی گری آخا گئدن سو آرخ دان؟
ئوردك دئدی بیزكباب اولاندان صونرا
ایسترچول اولایثریوزی ایستر عمان .
باغچه بان آذربایجان و زبان مادری را همیشه از ته دل دوست داشته و آن عشق و ورزیده

است و برای ابراز این عشق و علاقه از هر فرصتی استفاده کرده است.
 در اینجا چند بیت زیبا از کتابی بنام «پروانه نین کتابی» که به شعر آذری نوشته
 انتخاب و درج میکنیم، اگرچه این کتاب برای کودکان نوشته شده ولی بقدری زیبا و
 لطیف است که مطالعه آن برای بزرگتران نیز دلچسب و لذت بخش است:

پروانه نتیجه قیز دور؟

اوزاق - اوزاق یول لار دان
 گلدیم ... آذربایجانا
 قوشلار اوخور شن اوردا
 بلبل اوخور باغیندا
 تاقچالارین بزه گی
 چیچک گولور آداما
 گل دور ، چمن ، چیچکدیر
 ایندی دئییم من سیزه
 گلدیم پروانه گیله
 هی شاققا شاق قاپویا
 صوروشدو که او کیمدی ؟
 بلبل سسی ، قوش سسی
 پروانه بیر دا نه هی
 عموندی قاپو چالان
 قاپونئی تزجه آچدی
 دئدیم بس اولدوز چیخدی
 قاشلاری بیرجوت یای دی
 دیشلری مرواریصدی
 ائله بیل گل آچار دی
 قیزین آلسی آینادی
 نه آی نه اولدوز اولماز
 سون

بیرگون دوردوم تهران دان
 هیقانا ها هیقانا
 نه لر گوردیم من اوردا
 ککلیک گولور داغیندا
 باغلا رینین چیچگی
 هله سن باخ باداما
 آذربایجان دا هر یئر
 گلدیم چیخدیم تبریزه
 گزه - گزه ها بلله
 چالدیم چاق - چاق قاپویا
 گوردیم که بیر سس گلدی
 یو سس نه سس قوش سسی
 بیلدیم که پروانه دی
 دئدیم که پروانه جان
 سوینجی باشدان آشدی
 انشیکه بیر قیز چیخدی
 اولدوز دگیلدی، آی دی
 ساچلاری ساپ ساریدی
 دو داغی که قاچار دی
 اولدوز نه دی آی نه دی
 بیله گؤزل قیز اولماز

توپلايان: عبدالكريم منظورى خامنه

آتالار سۆزى

هر قوشا ئوز يوواسى، هر كسه ئوز وطنى
جفا چكمنه سن، صفا گۆرمه زسن.
كيشى نين سۆزى بىر اولار.
ايگيد او دور آتدان دوشه آتلانا ايگيد او دور هر زحمته قاتلانا.
آتيلان اوخ گئرى قايىتماز
درين سو بولانماز.
دوست باشا باخار، دوشمن آياقا.
داليدان آتيلان داش توپوغا ده گر.
چۆره گى تك يئيهن يوكونى تك آبارار.
تنبله دئديلهر: قاپونى ئورت، دئدى: كولهك ئورت.
اول يولداش، صونرا يول.
دوز سۆز داشدان دا گئچەر.
«حلوا-حلوا» دئمەككە آغيز شيرين اولماز.
ايلان ووران آلاچا تيدان قورخار.
اٲوين ياراشيغى اوشاقدير، سفره نين ياراشيغى توناق.
دوغما تورپاغين بىر اوووجى دا عزيزدير.
آد آدمى بزمەز، آدم آدى بزمەز.
عقىل سىزباش، شمع سىز قىمىدیر (چراغ-فانوس).
عقىل گوجدن اوستوندور .

قوشون بزه گي له لهك، آدامين بزه گي بيليك.
 دوستون يوخسا، آختار، تاپاندا توري.
 وطنه گلديم، ايماننا گلديم.
 دوغما يورد شيرين اولار.
 هر كسه ئوز وطني عزيزدير.
 دوست يامان كونده تائينار.
 كهنه دوست دشمن اولماز.
 دوستم اينه آزدير. دشمن بئر اينه چوخدور.
 ياخشىلىق ائله آت دريايه، باليق دا بيلمهسه، خالىق بيلهر.
 چوخلازى آناسى نين كؤزلرينى چيخارتدى كي، اونا كوراوغلى دئسينلهر، ائله هئى
 دئديلر كؤر كيشى نين اوغلى.

انسانا آرخادير اونون كمالى عقليدير هر كس اين دولتى، مالى
 كاميل بئر پالانچى اولسادا انسان ياخشىدير ياريمچيق پاپاقچىلىقدان
 بئر ليك هاردا، دير بيليك اوردا.
 تك الدن، سس چيخماز.
 اولدو ايله، ئولدويه چاره يؤخدور.
 اكنده يوخ، بيجهنده يوخ، يئيهنده اورتاق قارداش.
 اكينده اكمه اين خرمنده آغلار.
 هر او خويان ملاپناه اولماز.
 يازان سن، پوزان سن هيچ بيلميرم نه سن سن.
 سن راضى سان من راضى نه غلط ائله بئر قاضى.
 يولد اشينى كؤسترمنه سنين كيم اولدوغونود ئييم.
 چوخ بيليب آزادانىشماق ايگيدن لنگر يدير.
 آت ئولور ميدان قالير ايگيت ئولور آدسان قالير.
 علم عقليين چرا غيدير.
 سواد سيز آدام كور كيمي دير.

استاد شهریار دان بیر غزل:

چوخلارا اینجیکدی که سن اونلارا ناز ائيله می سن
من ده اینجیک که منیم نازیمی آز ائيله می سن
هرباخیشدا چالیسان کیهریگی مضراب کیمی
بیرقولاق ور بوسینیق کؤنلونه ساز ائيله می سن
کاکلو باشدا ورروب ایله من تاج کیمی
او قیزیل تلدهن اونا گللو قوتاز ائيله می سن
سن گون اول قوی غمیمیز داغدا قار اولسون اریسن
منیم آنجاق ایشیمی سوز و گداز ائيله می سن
سینه بیر دشت مغان دیر قوزویان یانا یاتیب
منیم آغلار گؤزومو اوردا آراز ائيله می سن
خط و خالیندن آلیب مشیمی قرآن یازارام
بو حقیقتده منی اهل مجاز ائيله می سن
دستماز ایله دیگین چشمه مسلمان قانیدیر
بیلیمیرم هانسی کلیسا دانماز ائيله می سن
بو گوزل لیک که جهاندا سنه ویرمیش تانری
هر قدر ناز ایله سن ائيله که آز ائيله می سن
من عشیران اوخوسام پنجه عراق اوسته گزه
گؤزه لیم ترک اولالی ترک حجاز ائيله می سن
من بومعنادا غزل یازماغا حالیم یوخودی
من منیم تک قوجانی فرقه باز ائيله می سن
ای دان اولدوز منی سن یاخشی تانیرسان که سحر
اقی خلوت اندیب راز و نیاز ائيله می سن
شهریار داردا قالب داغداداشا دالدا لانیب
نوزون انصاف ائيله محمودی ایاز ائيله می سن

دکتر مهدی مجتهدی (عاکف) دن

سهنده بیر مرثیه

ملتیمیز «آزادلیقا» چاتاندا
آیدین سحر قارانلیغی آتاندا
گون چیخاندا درین ظلمت باتاندا
سهند ئولدی سازیندا سؤز قالمادی
اودکول اولدی اوندان بیر کؤز قالمادی

ملتیمیز «یولداشین» تاپاندا
قازت چی دن «اولدوزینی» قاپاندا
بو قازت لر دیله خدمت یاپاندا
سازین سیمی بیردن بیر قیریلدی
بیر دیوانین شیرازه سی جیریلدی

سهند ئولدی ساوالانا تل وورون
مراغه دن دیلمقانا تل وورون
تبریز لیلر ! سیز شیروانا تل وورون
آذر ایلی شاعرینی ایتیردی
شاعریمیز رسالتین بیتیردی

قارا بولوت سهند اوسته دولانسین
سهنداوا چیچک لری تالانسین
شانلی داغدان آخان سولار بولانسین
صوفی چایی آشسین داشسین قان اولسون
لیوان چایی داشلاری مرجان اولسون

قان آغلا سین بولوت سهند آبادا
گورولداسین یاغسین یتیشمین دادا
اوجامس نه مگر اوننی اویادا
یاتان شاعر گورولتیه اویانماز
شمع اریدی توکندی بیر ده یانماز

اولدوزیدی ادب ده چیقدی باتدی
سازین چالدى ملتینی اویاتدی
سؤزین دئدی دیله دیوان یاراتدی.

نشان وئردى دىلى چوخ شانلى دىلدى
ئولى بىر دىل دگل چوخ جانلى دىلدى

* * *

بىرگون منە آچدى غمىن غصەسىن
نقل انلەدى حياتى نىن قىسەسىن
آخىر دئدى اوزون سۇزون قىسەسىن
آنادىلى سازىمىلە اوجالدى
مىن حىف اولا سازى چالان قوجالدى

* * *

دقتىرىندە دقتايلە ايشلدىم
حىرت ائدىب بارماقىمى دىشلدىم
سۇزون دوزى سەندى آلتىشلدىم
جوانلارا دقتىرى سرمشق اولا
ھم سازىنا ھم سۇزىنە عشق اولا

* * *

كلمەلرى بىرچە بىرچە صىيد ائدىب
ھەر كلمەنى ئوز يىرىندە ايشلەدىب
اوجا فكري آز سۇزىلە گۇرسىدىب
ھەر كلمەنىن اينچە معناسى واردىر
ھەر جملەنىن درىن درياسى واردىر

* * *

سەند ئولدى سەند افغان ائىلەمە
غضب لىمە آلىشما قان ائىلەمە
اى شانلى داغ آتس فشان ائىلەمە
اتكىندە آبادلىق وار شەرور
مراغە وار تىرىزىن وار اھرور

* * *

مصىبەتدە سەندە باش ساغلىقى
مراغىيە مرنەدە باش ساغلىقى
ھەر شەرھە ھەر كندە باش ساغلىقى
مىنىم سۇزوم سەند اوستە قوتولدى
قلم سىندى بوردا دىلىم توتولدى

نامه‌ای از اسکو:

ای مردان تاریخ

ضمن اینکه بی‌آلایشترین تشکرات قلبی خودم را خدمت نویسندگان مجله گرانقدر **وارلیق** تقدیم میدارم بسیار متأسفم که بعلت بی‌سوادی نمی‌توانم در لحظه‌ایکه چشم باولین صفحه مجله زنگین شما افتاد چه مسرتی بمن دست داد برای شما توصیف نمایم من بحال پیر مردانیکه روزنامه ملانصرالدین را خوانده بودند و میشناختم بحالشان حسرت و غبطه میخوردم نویسندگان مجله وارلیق نه تنها مرا بلکه میلیونها انسان را به مقدس‌ترین و دیرینه‌ترین آرزو و آمالش نائل ساخت ای مردان فداکار میدانیم که چه وظیفه بس سنگین و خطیر و دشواری را درپیش گرفته‌اید و همگی آگاه هستیم باچه مشکلات گوناگونی روبرو و با چه خون دلی مجله را منتشر میسازید اما بدانید که شما در آسمان ادبیات آذربایجان و در صفحات تاریخ پرافتخارش همانند ستاره درخشانی پرتسوافشانی نموده جاودانه خواهید زیست آرزومندم از سختیها نهراسیده پیروزی از آن شما خواهد بود خواهشمندم مجله برایم ارسال حق آبونته یکساله را بنویسید از طریق بانگ پرداخت نمایم اگر جور زمان بگذارد شما را در ردیف موفق‌ترین و گرامی‌ترین نویسندگان آینده ایران میشناسم از یک دهاتی این فضولی را ببخشید و همچنین قصیده‌ای را که بمنزله پای ملخی است بحضورتان تقدیم اگر قابل اصلاح و چاپ باشد اقدام در غیر اینصورت مختارید بدور اندازید.

آدرس اسکو حاجی رجائی

اینانمیشام

آیدین گونش کیمی من انتقا ما اینانمیشام
ظالم قورار نوزی نوزینه دام اینانمیشام
تاچاتماییدی ایشچی اکیچی نوزحقینه
عصیانلارین دا واردی دوامی اینانمیشام
حقین قانان خلقلرده سیندیرانمادی
تانگ و تفنگ، شور قیامی، اینانمیشام
آرواد-کیشی، خلقینه خادم اولانلارون
بیر جورگرگ تانین سین مقامی اینانمیشام
صلح ایستریک دوغرو سؤزی اورتیا قویاق
پوچ آلدادار بیر آزجه خامی اینانمیشام
بیریتل قوبوب عدالتی یوخ قورقولار اوچار
دورماگلوب بوش یره حامی اینانمیشام
قانونی یوخ اوئولکه نین که اوندایش ایشلین
تاہموریشین دوینجه طعامین اینانمیشام
یوخسول گندیبدی حجه توکنمز گناہینی
وارلی گزر بهشتی کعبه نی شامی اینانمیشام
ای ظلم الیله خلقین ائدن گوندوزن گجه
گؤزله گلورسنه قورخولی شامی اینانمیشام
وارین وئرن اوتانماز یوخدان وئرن دلی
سیز ساغ من سلامت حاجی رجائی

اسکو

مجله میزه گلن مکتوبلار:

تبریزده کی عزیز اوخوجو و یازچیلا ریمیزدان آقاسی یحیی شیدا نین «آذربایجان شاعرلریندن اینجه جناسلار» آدلی مقاله سی و بیرده «آذری ادبیاتی نین زنگین لیگی» عنوانلی مقاله یه تنقیدی مکتوب نوو آلدیق. مقاله نی و آقاسی پیرهاشمی نین جوایی نی بورا دارج ائدیبریک .

جناب آقای شیدا

مکتوبوزیتیشدی اوخودوق

۱- «آذری ادبیاتی نین زنگین لیگی» عنوانلی مقاله ده یازیلان بو ایکی بیت شعر ای بی قرار سینده نشتر می سن نه سن پیکان می سن شراره می اخگر می سن نه سن؟ بوگون من می زبانم ناله می یانسام ائشتمزلر

سنه ممکن دور ای نی آه وافغان ایله برسزلا

حقتده یازمشدوزکی صائب دن دگیل قوسی دندور. بیزیم او شعرلرین صائب دن اولماغینا امراریمیزیوخدور اونا گوره سیزینده نظروزی ردائتمیریک لاکین بیزیم اختیاریمز داکی مرجع ده که انتشارات عطائی طرفیندن باسیلیب ویاییلمشدر او شعرلر صائبه نسبت وئریلبیدورکی اشتباه اولسا اومرجع دن ناشی دور. آیریجا **اولیق** مجله سی نین ۵- اینجی صایی سیندا «آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباخیش» آدلی مقاله ده بو بیت لرین قوسی یه عائد اولدوغو قید ائدیلمیشدیر .

۲- صائبین ایکی بیت شعری باره سینده یازمیشدوزکی مسخ اولوبدور سیز یازدیغوز

شعر بیله دیر:

دوتما اول گول دامنین محشرگونونده جان ایچون
قیلمه یوز سیزلیک نگاریلن بیر آوج قان ایچون
آچما گل، آغزین بگورنده خال مشگین دانه سین
اگمه باش پر کارتک هر نقطه یه دوران ایچون
وییز مجله ده بیئله یازموشوق :

دوتما دلبردامنین محشرگونونده جان ایچون

اولما تسلیم اگمه باش نامرده سن درمان ایچون

استفاست قبل جهاندا حفظ ائله شخصیصیتین

اگمه باش پر کارتک بیر نقطه یه دوران ایچون

بوردا مسخ اولماق کی یوخدور شعرین آیدیلیق و فصاحتی ده آرتیب دور بونا گوره احتمالاً صائب ئوزی سورالار ئوز شعرینده تجدید نظر ائدیپ و بعضی مصر اعلارین دگیشمیش اولسون، باشقا شاعرلرده بوایشی گؤرملر، نسخه بدل لرین چوخ بوردان ناشی اولمشدور که بونا چوخ مثال وورماق اولار

۳- یولدا گؤرسون اگر کی بیر قاراداش...

سیز آد آپاردیغوز شخص دندور کی شاعر او غزلی ئوز خطی له یازیب مقاله نین مؤلفینه وئرمیشدور. بومقاله ده بیربارا ملاحظه لره گوره شاعرین آدین یازمادیق سورالیقدا امکانی وار او غزلی کامل حالدا شاعرین آدینا چاپ ائدک .

خاتمه ده مجله میزه گؤستریدیگوز دقت دن تشکر ائدیبریک مکتوبوزدن استفاده ائدیک،

گینه ده مکتوبلاروزی گؤزله بیریک. ت - پیر هاشمی.

تالار رودکی ده آذربایجان کنسرتی

دی آیی نین ۱۳ و ۱۴ - اینجی اقشاملاری تالار رودکی ده آذربایجانلی هنرمندلر گروهی ملی بیربرنامه اجرا ائتدیلر. بو برنامیه قاتیلانلار آذری موسیقی استادلاری، خوانندهلر و عاشیقلار اولموشلار. ارکستره رهبرلیک ائدن آقای صفرعلی جاویدایدی. برنامہ آقای مجیدزاده نین «عزیز آذربایجانیم» آدلی شعريله باشلادی. صونرا ارکستر آذری هولارینی چالماغا باشلادی و بیر نتیجه سس صنعتکاری ترکی شعر و تصنیف لرینی اوخودولار.

عزیز آذربایجانیم

ازلدن باغلیدیر اوره گیم سنه
شرف، شانیم عزیز آذربایجانیم
دئمیشم دائما دئیرم یشنه
روحوم جانیم، عزیز آذربایجانیم

*

۷۱ ایل قاباق چکمیسن هارای -
حصارا صالینمیش تبریز اونبیر آی
دؤزوموندن سنین تیتره میش سارای
سندن الهام آلیب بوتون ایرانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم

*

اوزمان سارایا ولوله صالدین
مشروطه آلماغا غلبه چالدین
ایگیتلیک گؤستریب حقوی آلدین
یاییلدی هرینا گؤزل آد - صانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم

*

اونداکی، زحمتین هدره گتندی
قولدور لار الیه امگین ایتدی
باشیوا غیرتون نه لری گتندی

بیخیلدی سرداریم، اوستارخانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم
*

یئنه قوینوندا بیر اولدوز پارلادی
دیله دوشدی یئنه بیر نهضت آدی
آلتی آی نهضتی الده ساخلادی
بالون شیخ محمد او فخریم، شانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم
*

پوزولدی او آزاده او پالکیتین
تاہدالاندی ائیلین، وارہویتین
یئنه ده ائل آراد آرندی ذلتین
اورمیہ، تبریزیم، بوتون زنجانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم
*

کچمیشدی اوواختدن اوتوز آلتی ایل
دوشمانون سانیردی اولموسان ذلیل
چونکی قالما میشدی نہ فرهنگ نہ دلیل
بیر ایلیک یاراتدین شانلی دورانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم
*

تؤکولوب اویازیق خلقی ویردیلار
باش ییلنریوی بیر - بیر قیردیلار
وارلیق سندیوی آلیب جیردیلار
آزقالدی محو اولا بوتون ایرانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم
*

آخیردا جانیوی دیشیوه توتدون
انقلاب یولوندا باشیوی آتدون
نتجه بیرمی دوققوز بہمن یاراتدون
دئدون قورباندير خلقیمه قانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم
*

ایندی آزاد اولوب ائلیمیز، آزاد
دوغماپور دوموزدا دیلیمیز آزاد
باغچامیزدا آجان گولوموز آزاد
بہشته دؤنه جک بوتون ایرانیم
روحوم، جانیم، عزیز آذربایجانیم

توجه

۱- خواستاران اشتراك می‌توانند مبلغ آبونمان سالیانه (۸۰۰ ریال) را از نزدیکترین شعبه هر يك از بانكها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانك ملی ایران (شعبه داریوش خیابان بهار) ریز نمایند و رسید آنرا بضمیمه نشائی خود بآدرس مجله (خیابان مصدق-کوچه بیدی-سره ۱۷-تهران) ارسال فرمایند.

۲- شماره‌های گذشته مجله وارلیق را می‌توانید از کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران تهیه نمایند.

۳- مجله وارلیق آگهی می‌پذیرد، کسانی که مایلند بآدرس زیر تماس بگیرند.

۴- ضمن تشکر و سپاسگزاری از همکاری بیدریغ نویسندگان مجله وارلیق باسحضار می‌رساند نظر باینکه تعداد صفحات مجله محدود است باکمال تأسف نمیتوانیم همه‌ی نامه‌ها و مقالات و اشعار همشهریان عزیز را چاپ نمائیم ضمناً برای رعایت شرایط و موازین علمی حواشمندیم در آخر مقالات مأخذ و منابع مورد استناد و استفاده را مرقوم فرمایند و در ترجمه‌ها و ترانسکریپسیونها ضمن رعایت امانت و وفاداری بمتن در صورت حذف و یا اضافه و یا تغییر کلمه و یا قسمتی از متن تذکر لازم را در پائین مقاله بدهند.

۵- جلد اول تاریخ ادبیات آذربایجان از قرن ۱۳ تا آخر قرن ۱۹ میلادی تحت عنوان «آذربایجان ادبیات تاریخیته بیرباخیشی» در اسفندماه از چاپ خارج و منتشر خواهد شد همشهریهای علاتمند میتوانند با پرداخت ۴۰۰ ریال توسط آدرس بانکی مجله و ارسال رسید آن بدفتر مجله یکجلد از این کتاب را پیش‌خرید نمایند.

وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی و هنری

(به زبانهای فارسی و ترکی آذری)

تحت نظر هیئت تحریریه

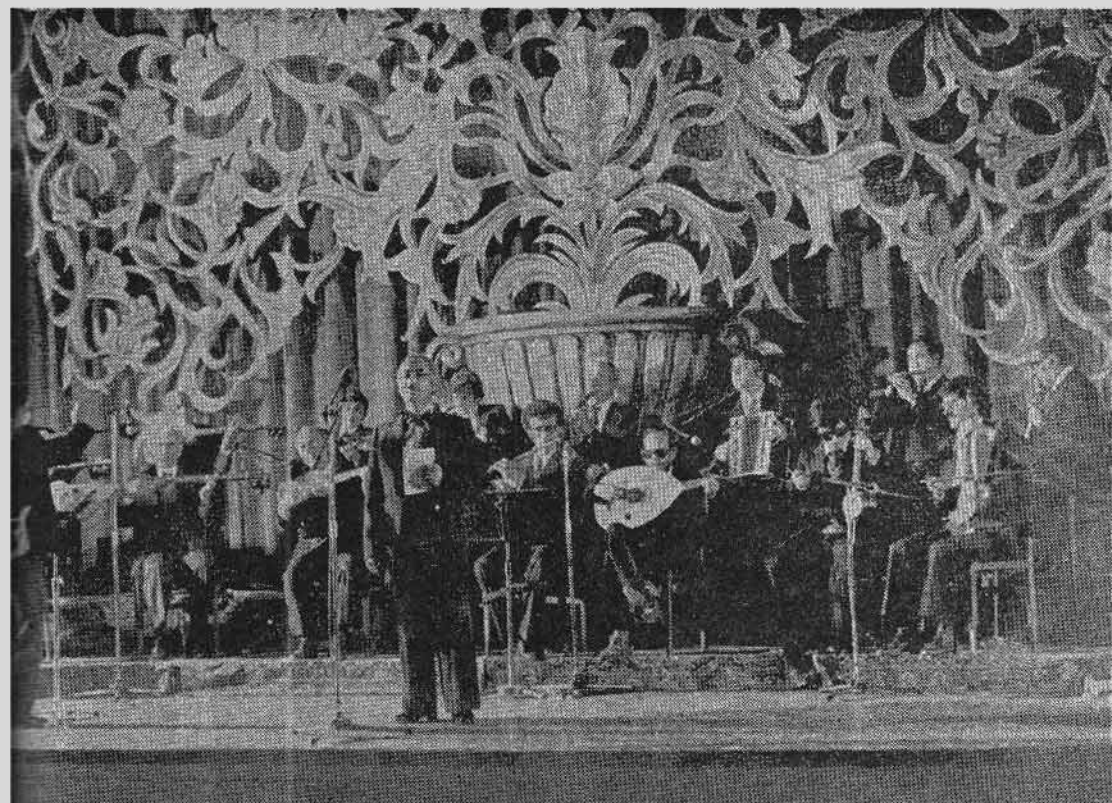
صاحب امتیاز و مدیر: دکتر جواد هیئت

محل اداره: تهران، خیابان مصدق، کوچه بیدی، شماره ۱۷

تلفن }
۶۶۵۱۱۷ }
۷۶۱۸۳۶ }

چاپ کاویان - میدان بهارستان

قیمت ۷۰ ریال



کنسرت هنرمندان آذربایجانی در تالار رودکی
آقای مجیدزاده (ساوالان) در حین خواندن شعر (عزیز آذربایجانیم)